

بیانیه کنگره ۸ حزب حکمتیست (کنگره اکتبر)

درباره اوضاع جهان

جهان نیازمند انقلاب کارگری عظیمتری است!

صفحه ۳

فاتح شیخ

قطعنامه در باره اوضاع سیاسی ایران

ما به یک پیروزی کارگری چشم دوخته ایم!

صفحه ۶

سیاوش دانشور

جامعه ایران به پیشروی جنبش کارگری چشم

دوخته است!

رحمان حسین زاده **(بیانیه کنگره هشتم حزب حکمتیست)** صفحه ۹

بیانیه حزب حکمتیست در تقابل با فاشیسم

صفحه ۱۳

سیف خدایاری

قرار درباره ضرورت گسترش تلاش برای حفاظت

صفحه ۱۲

از محیط زیست

پروین کابلی

بیانیه کنگره هشتم حزب حکمتیست،

جنبش آزادی زن

صفحه ۱۵

آذر ماجدی

در صفحات دیگر

آئین نامه کنگره و ۱۰ قرار از نمایندگان کنگره

کنگره ۴

ویژه کنگره هشتم حزب حکمتیست

(کنگره اکتبر)

نوامبر ۲۰۱۷

در آستانه کنگره حزب

سیاوش دانشور

در هفته آتی روزهای ۴ و ۵ نوامبر، کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (کنگره اکتبر) برگزار میشود. کنگره بعنوان عالی ترین اجلاس حزب، از نظر تقویمی یک کنگره روتین است که باید طبق اصول سازمانی حزب برگزار شود. اما این اجلاس با دو واقعه غیر روتین مصادف است: اول، صدمین سالروز انقلاب سوسیالیستی اکتبر و دوم، اوضاع درهم ریخته و بحرانی دنیا و خاورمیانه و حوزه نفوذ و کار و فعالیت مشخص ما ایران. به این اعتبار این کنگره روتینی نیست و باید تصمیمات مهمی در باره آینده و نقشی که حزب میخواهد و باید ایفا کند، اتخاذ کند.

صدمین سالروز انقلاب اکتبر

در دنیای امروز، طیفهای مختلفی از راست تا چپ، اکتبر و لنین و حزب لنینی و انقلاب کمونیستی را تکفیر میکنند. کمتر تبلیغات روزمره بورژوازی و سخنرانان را شاهدید که علیه اکتبر، علیه لنین، علیه کمونیسم، علیه عمل انقلابی عموماً و انقلاب کارگری خصوصاً، چیزی نگویند. صد سال پس از انقلاب شکوهمند اکتبر، بورژوازی بدون آنتی کمونیسم، بدون تقابل با عمل انقلابی کارگر، بدون وحشت از شیخ کمونیسم در متن دنیائی که در بحران و

صفحه ۲

در آستانه کنگره حزب

سیاوش دانشور



جنگ و ناامنی گرفتار شده، اموراتش نمیگذرد. این کنگره، توسط ما کمونیست های کارگری، کنگره اکتبر نام گرفته تا بار دیگر اعلام کنیم که ما از جنس سنت سیاسی و مبارزاتی اکتبر هستیم. در مقابل انواع احزاب "دگراندیش"، دمکرات، منتقدین کم مایه و غیر منصف، حزبی برای تکرار اکتبر هستیم. حزبی که در عین نقد سوسیالیستی به تجربه انقلاب کارگری روسیه، روی دوش تجارب مبارزه طبقه جهانی کارگر و تئوری مارکسی و کمونیسم کارگری تلاش دارد پرچمدار اکتبر باقی بماند و افق اکتبر را در جهان تسری دهد.

آینده سیاسی ایران

جامعه ایران با انواع مشکلات و بحرانهای لاینحل روبرو است. جمهوری اسلامی بعنوان حکومت مدافع نظم سرمایه، مردم کارگر و زحمتکش و اکثریت جامعه را به بیحرمتی، بیحقوقی، فقر و گرسنگی محکوم کرده است. نگاهی ساده به راه حل های بورژوازی، اگر بتوان اسم راه حل را به آنها اطلاق کرد، نشان میدهد که هیچ گرایش و بستر این طبقه در مقابل معضلات عدیده شهروندان و یک جامعه هشتاد و چند میلیونی پاسخی ندارد. جنگ برسر تیولداری سرمایه داری و تعویض عمامه با تاج و کراوات و نهایتا بخت شدن پشت کسانی است که جمهوری اسلامی را در متن یک انقلاب به مردم تحمیل کردند و برای اینکار کشتاری وسیع راه انداختند که هنوز ابعاد آن تماما روشن نشده است.

این کنگره، کنگره کمونیست هائی است که در عین اشراف بر کمبودها و محدودیتهای جنبش شان، از اهداف کمونیستی شان عقب ننشسته اند. این کنگره کمونیست هائی است که پیام روشنی برای طبقه کارگر ایران و مردم آزادیخواه و پروژه ای برای تغییر دارند. این کنگره کمونیست هائی است که میدانند این اوضاع قابل ادامه نیست و برای یک تغییر انقلابی باید خود را آماده کنند. این کنگره به خود حزب، به کادراهایش، به طبقه کارگر در اسارت توحش سرمایه، به زنان محکوم به زندگی تحت آپارتاید اسلامی، به جوانان پرشور و سرمایه های اجتماعی ای که تحت این حکومت بی آینده گی را زندگی میکنند، میخواهد بگوید که میتوان و باید تغییر ماکرو و انقلابی ایجاد کرد. ما در این کنگره میخواهیم بار دیگر به جامعه تعهد دهیم که قصد داریم و تمام تلاشمان را میکنیم که این بار را به سر منزل مقصود



برسانیم. لذا این کنگره، به این معنا، صرفا به اعضا و کادرهای حزب تعلق ندارد، به صفوف کلیه کمونیست ها، رادیکالها، برابری طلبان و کسانی تعلق دارد که وضع کنونی را نمیخواهند و بیش از این تحمل نمیکنند و چشم به روزنه ای برای تغییر دوخته اند. این کنگره میخواهد و باید به این تغییر فراخوان دهد، برای این تغییر آماده شود و افق و استراتژی این تغییر را پیش رو بگذارد.

این کنگره شماست

همینجا از کمونیست هائی که هنوز افق های بزرگ و آرمانهای بزرگ را در مقابل تعرض وسیع فکری و سیاسی جریانات مختلف بورژوائی کنار ننهاده اند، دعوت میکنم در این کنگره شرکت کنند. همراه با ما از انقلاب اکتبر و عمل انقلابی و تجارب گرانبهای مبارزه کارگری علیه سرمایه داری تجلیل کنند و عزم مان را در نبردهای طبقاتی پیش رو جزم تر و صف مان در تقابل با بورژوازی و ارتجاع اسلامی در ایران متحدتر کنیم.

سیاوش دانشور

۲۶ اکتبر ۲۰۱۷



به استقبال یکصدمین سالگرد
انقلاب اکتبر

مرگ بر جمهوری اسلامی



جهان نیازمند انقلاب کارگری عظیمتری است

فاتح شیخ

روز پس از روز، درصد کوچکتري از غولهای سرمایه، سهم بزرگتری از ثروت جهان را میبلعند و از نو در تکاپوی سیری ناپذیر برای تصاحب سهم بازم بزرگتر گلو پاره میکنند. همزمان اکثریت عظیم طبقه میلیاردي کارگر روز به روز با تنزل بیشتر سطح معیشت دست و پنجه نرم میکنند. در هراس از کابوس فقر فراگیرتر و بیکاری هولناکتر، روزگارشان تباہتر میگردد. اما دمی از تلاش برای بالاتر بردن اتحاد صفوف خود باز نمیایستند تا بتوانند بر این بردگی و فرودستی فزاینده فایق آیند. این منطق مبارزه طبقاتی جهان امروز است. یک دهه پس از بحران اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ که نتایج آن در یک سو تشدید استثمار طبقه کارگر و در سوی دیگر تشدید رقابت طبقات مختلف بورژوازی جهانی بر سر تصاحب سهم بیشتر سود حاصل از استثمار جهانی طبقه کارگر بوده است.

شکاف افزائی بیسابقه طبقاتی و بر مبنای آن رشد بیشتر نابرابری به حادثر شدن مبارزه طبقاتی همچون موتور محرک تحولات جامعه منجر شده است. جناحهای مختلف بورژوازی، غرق فساد و گندیدگی و جنگ افروزی، جز تشدید استثمار، جز افزایش خطر گسترش مدام جنگها، پیشه دیگری پیش پای خود و نظام وارونه شان نمیگذارند. از این رو پاسخی هم برای درهمریختگی و نابسامانی اوضاع جهان ندارند. در مقابل، طبقه کارگر برای رهایی خود و بشریت از این اوضاع غیر قابل تحمل، قد برافراشته است. نیروی اجتماعی قدرتمندی که پیشاپیش بشریت تشنه رهایی میتواند این نظام وارونه را زیرورو کند و بر ویرانخانه آن، جامعه آزاد و برابر سوسیالیستی، جامعه شایسته انسان قرن ۲۱ بنا سازد.

رویدادهای سالهای اخیر جهان، نشان از تحرک و تقابل همزمان دو روند غالب دارد.

- در یک سو راستترین جناحهای بورژوازی به جست و خیز افتاده اند تا در کشورهای معین زمام دولت را بدست بگیرند. ساطور تفرقه راسیستی، فاشیستی، قومی و مذهبی را بر سر مردم گرفته اند و این داعیه چرکین را در سر میپروارند که با احیای نفوس مرده قرون پیشین در قرن ۲۱ جامعه را طبق الگوی جانین تاریخ معاصر سلاخی کنند. در صددند پندار ضد انسانی خود را به جزء ثابت ایدئولوژی مسلط طبقه حاکم بدل سازند، کردار جنایتبارشان را در ساختار دولت و سیاست جاری حاکمیت سرمایه جا دهند و شمشیر شکاف اندازی مذهبی و نژادی



را همواره روی سر جامعه نگهدارند. ترامپ و پوتین و امثال مارین لوپن، اسلام سیاسی تا مغز استخوان ضد بشر در ایران و شعبات تروریست آن در عراق و سوریه و لبنان و یمن، رژیمهای اسلامی ترکیه و عربستان، دارودسته های توحش اسلامی داعش و بوکوحرام و طالبان و القاعده و حزب الله و حشد شعبی و غیره، هر یک با ابزار ایدئولوژیک دم دست خود و با شیوه و عملکرد ویژه خود در آشفته بازار کنونی جهان تاخت و تاز میکنند.

- در سوی دیگر بر زمینه مبارزات جهانی طبقه کارگر، بر زمینه اثبات مجدد برحق بودن مارکس در پی بحران ۲۰۰۷-۲۰۰۸ بر زمینه بازگشت شیخ کمونیسم، نیروهای اجتماعی پیشرو، بویژه صف رزمنده نسل جوان پر دانش دارای آرزوهای بلند و توقعات بالا اما محروم از ابتدائی ترین ملزومات زندگی شایسته انسان، به میدان آمده اند تا در برابر دژخیمان افسارگسیخته ای که به جان بشریت افتاده اند، بایستند و مقاومت کنند. منشا اجتماعی این روند ایستادگی، وجود اعتراض طبقاتی کارگر و توقعات انسانی برخاسته از نیازهای واقعی زندگی توده های اعماق جامعه است. در عرصه جنبش کارگری، برجسته ترین نمونه ها از جمله مبارزات وسیع کارگران در فرانسه در برابر تعرضات ضدکارگری ماکرون و بورژوازی فرانسه به معیشت و شرایط کارشان، مبارزات مداوم کارگران در ایران برای ایفای حقوقشان و بهبود معیشت و شرایط مبارزه شان است. در این سالها جریانات لیبرال و فرمیست و سندیکالیست و آنارشویست، در تلاش بوده اند و هستند که برای پس نشاندن و به حاشیه راندن شیخ مارکس و شیخ کمونیسم، نیروی اعتراض کارگران و نسل جوان و زنان و توده های ناراضی اعماق جامعه را به بیراهه بکشند و بعضا هم برجسب "ضد سرمایه داری" بر تلاشهایشان زده اند.

برآیند تقابل این روندها بار دیگر اثبات میکند که انتخاب تعیین کننده در مبارزه طبقاتی جهان امروز، انتخاب بین کمونیسم انقلابی رادیکال طبقه کارگر در یک سو و در سوی دیگر جریانات بورژوازی و خرده بورژوازی صفحه ۴

جهان نیازمند انقلاب کارگری عظیمتری است

فاتح شیخ

لیبرالیسم، سندیکالیسم، رفرمیسم و آنارشیزم سترون و بی فرجام است. کمونیسم اصیل کارگری در تمایز بنیادی با همه ترندهای لیبرال و رفرمیست، در پاسخ به بحرانها، معضلات و مشقات سرمایه داری بر مبرمیت انقلاب کارگری، لغو کار مزدی و برقراری مالکیت اشتراکی تاکید میکند.

اوضاع جهان: بی نظمی فراگیر

جهان پس از بحران اقتصادی ۲۰۰۷-۲۰۰۸ درگیر چرخه جدیدی از جدال قدرتهای جهانی و دولتهای منطقه ای تازه عروج کرده سرمایه داری برای تجدید تقسیم بازارها و مناطق نفوذ بوده است. جنگ و جدالهای مرتبط با این چرخه جدید در سالهای اخیر شتابی سرسام آور گرفته و خرابی دهشتناک در مناطق مورد نزاع به بار آورده است که پایان آنها به چشم نمیآید. جهان دهه پرآشوب و پرتحوالی را از سر گذرانده که ماحصل آن بروز یک بی نظمی فراگیر است. در این فضای بی چشم اندازی، رقابت قدرتهای بورژوازی در مقیاس جهانی و منطقه ای و سربرآوردن نیروهای محلی برای کسب سهم درخور وزن خود از انباشت حاصل از استثمار جهانی طبقه کارگر بیشتر از همیشه تشدید شده است.

به موازات تلاش ترامپ و دولت آمریکا برای بازگرداندن سرکردگی جهانی آمریکا و "تجدید عظمت آمریکا"، رقیب جهانی آن، پوتین با تکیه بر ناسیونالیسم عظمت طلب روسی و داعیه تبدیل شدن به یک قطب قدرت جهان در برابر آمریکا به میدان آمده است. اتحادیه اروپا پس از فراندم خروج بریتانیا (برگسیت) و تلاشهای دوگانه ترامپ و پوتین برای تقسیم و تضعیف آن، نگران از افت وزنه جهانی اش به جنب و جوش هراسان افتاده تا موقعیت کنونی خود را حفظ کند. دولت چین به امید بازیابی برتری تجارت آسیایی قرون گذشته با ایجاد "جاده ابریشم" قرن ۲۱می، در مسابقه کسب مقام "تاجر اول" دنیا دوندگی میکند. دولت ترکیه با رویای احیای امپراتوری مدفون و تقسیم وراثت شده عثمانی به تکاپو افتاده است. رژیم اسلامی ایران که توهم رژیم شاه درباره تبدیل شدن به قدرت اول منطقه را به ارث برده است، دست به مصادره تاریخ کورش و میراث ایران کهن زده است و با تکیه بر تفرقه آفرینی مذهبی، دارودسته های تروریسم اسلامی خود را به قصد تسخیر کشورها و تامین کریدورهای صدور نفت و گاز، در اکناف خاورمیانه پراکنده است. دولتهای عربستان و مصر و خلیج با تکیه بر پیکر نحیف اتحادیه عرب به جنگ و جدال ویرانگر با رژیم اسلامی ایران برخاسته اند. بر متن این رقابتهای، در باتلاق خونین سوریه و عراق، توحش اسلامی داعش مجال عروج مییابد، داعیه حکومت در سر میپروراند تا سرانجام در همان باتلاق آفریدگاه خود غرق گردد.

خاورمیانه: میدان جنگی به وسعت منطقه

خاورمیانه که در دوره پس از جنگ دوم جهانی "کانون بحران" نام گرفته بود، امروز در ادامه بحرانها و جنگهای حاصل از رقابت دولتهای امپریالیست در این منطقه استراتژیک، به میدان جنگهای گسترده و طولانی بدل

گشته است. سوریه پس از شش سال جنگ "نیابتی"، اکنون صحنه جنگ مستقیم قدرتهای جهانی روسیه و آمریکا و دولتهای ایران و ترکیه است. وحشت بی پایان این جنگ به رغم کنفرانسهای متعدد ژنو و آستانه همچنان ادامه دارد. پایان داعش در سوریه که با تصرف رقه به مرحله تعیین کننده رسیده است، پایان جنگ سوریه نیست. در عراق هم با تصرف موصل و پایان تقریبی داعش، جنگ پایان نیافته است. تهاجم نظامی دولت عراق و حشد شعبی و پاسداران رژیم اسلامی ایران با رضایت آمریکا در کردستان عراق، آغاز رشته جنگهای جدیدی است که پایان دادنشان دشوار است. جنگ دولتهای عربستان و خلیج در یمن با انصارالله حوثی و رژیم اسلامی حامی آن نشان از پایان ندارد. جنگ دولت ترکیه در کردستان و دستگیری و سرکوب اهالی جای پروژه "پروژه آشتی" نشسته است.

جنگهای اخیر خاورمیانه و چشم انداز ادامه آنها پس از شکست داعش، گواه روشنی است که داعش مخلوق جنگ افروزان اصلی حاضر در صحنه، مخلوق مستقیم دولتهای عراق و سوریه و ایران و مولود باتلاق خونینی است که با لشکرکشی ۲۰۰۳ دولتهای آمریکا و بریتانیا به عراق آفریده شد. پس از توحش اسلامی داعش، نسخه دیگر توحش اسلامی در قامت "حشد شعبی" برای اشاعه ترور در منطقه توسط رژیمهای اسلامی ایران و عراق سازماندهی و آماده جنگ شده است.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران، لکه ننگ چرکینی بر پیشانی بشریت است. همه قدرتهای امپریالیستی بی استثناء در به قدرت رساندن آن از روز اول و بقای آن تا به امروز شریک بوده اند. رژیم مسلح به توحش اسلامی که طی چهار دهه به موازات قدرتهای امپریالیست، حافظ استثمار و سرکوب عریان کارگران و محرومان با تکیه به استبداد و خفقان و اعدام، از عاملان اصلی ایجاد تفرقه و دشمنی مذهبی و قومی، اشاعه ترور و جنایت علیه بشریت، در ایران و خاورمیانه و جهان بوده است. به زیر کشیدن رژیم اسلامی ایران به نیروی اجتماعی کارگران، زنان، نسل جوان رادیکال و میلیتانت و توده های محروم اعماق جامعه، گام بزرگی در مسیر رهایی بشریت از نظام گنبدیده سرمایه داری است.

مساله فلسطین همچنان حل نشده باقی مانده است. ادامه ستمگری دیرین بر مردم فلسطین اشغالگری و کشتار، محاصره اقتصادی، شهرک سازی و سر باز زدن از مذاکرات، یکی از فاحش ترین شواهد ضدیت دولت قومی مذهبی اسرائیل و قدرتهای امپریالیست و "جامعه ملل" حامی آن با ابتدائی ترین حقوق مردم ستمدیده است. بارزترین گواه این واقعیت است که قدرتهای امپریالیست خالق اصلی "کانون بحران" خاورمیانه، خالق اسلام سیاسی و تروریسم منبعث از آن، خالق و ادامه دهنده جنگهای جاری خاورمیانه هستند. اخیرا با امضای قرارداد صلح حماس و فتح در قاهره و تسلیم اداره غزه از جانب حماس به سلطه حاکم بر کرانه غربی، امکان جدیدی برای

جهان نیازمند انقلاب کارگری عظیمتری است

فاتح شیخ

رفع بن بست مذاکرات و ازسرگیری گفتگو به سوی راه حل دو دولت و برقراری دولت مستقل فلسطین پدید آمده است. حزب حکمتیست همواره از تشکیل دولت مستقل فلسطین همچون راه حل این معضل سیاسی حمایت کرده است.

مساله کرد یک گرهگاه سیاسی منطقه خاورمیانه است که به حل سیاسی و عادلانه دست نیافته است. این مساله در هر یک از کشورهای ترکیه، ایران، عراق و سوریه ویژگی سیاسی مشخص دارد. راه حل استقلال در کردستان عراق با رای اکثریت بالای رای دهندگان در فراندم ۲۵ سپتامبر، به پشتوانه حقوقی و پشتیبانی مردمی متکی گردید اما توسط تهاجم نظامی دولت عراق به کرکوک و مناطق کردنشین قیچی شد. حزب حکمتیست خواهان حل فوری مساله کرد است. از سالها پیش طرح برای حل سیاسی، عادلانه و کارساز این مساله از راه برگزاری فراندم را ارائه داده است. در جریان فراندم اخیر کردستان عراق حزب حکمتیست از فراندم و رای به استقلال حمایت کرد و پس از فراندم اعلام داشت که از رای مردم کردستان به استقلال دفاع میکند.

پاسخ سوسیالیستی به اوضاع جهان

ازآنجاکه همه ترندهای مدافع سرمایه روز پس از روز عیانتر نشان میدهند که جز تشدید استثمار و سرکوب طبقه کارگر و جز تشدید رقابت و جنگ میان خود، پاسخ دیگری برای بحرانها و معضلات سرمایه داری ندارند، ضرورت و مبرمیت آلترناتیو سوسیالیستی به عنوان پاسخ کمونیسم کارگری بیشتر از همیشه عیان میگردد. حزب حکمتیست مجددا تاکید میکند که پاسخگویی سوسیالیستی تنها با دست بردن به قدرت سیاسی در ضعیف ترین حلقه های نظام سرمایه داری گلوبال و پیشروی بیوقفه تا انقلاب کارگری، تا رهایی از بردگی مزدی و برقراری مالکیت اشتراکی بر وسائل تولید میسر میگردد.

رژیم اسلامی حاکم بر ایران یکی از حلقه های ضعیف و پرتناقض حاکمیت سرمایه در جهان است. طبقه کارگر در ایران این واقعیت را باید در مبارزه به پیروزی رساندن آلترناتیو سوسیالیستی خود به کار گیرد. به زیر کشیدن رژیم اسلامی و از این راه به هزیمت کشاندن اسلام سیاسی و تروریسم گسترده آنان، خدمت بزرگی به رهایی بشریت و اهداف سوسیالیستی کارگران جهان است. طبقه کارگر یک طبقه جهانی میلیاردی است. تقویت و تحکیم همبستگی انترناسیونالیستی در سطح جهان یک رکن مهم استراتژی جهانی طبقه کارگر برای برچیدن نظام سرمایه داری و یکی از مهمترین

ملزومات پیروزی آن در کسب قدرت و خلع ید سیاسی و اقتصادی از بورژوازی است.

سال ۲۰۱۷، صدمین سالگرد انقلاب اکتبر، یادآور عظمت تاثیرگذاری انقلاب کارگری ۱۹۱۷ روسیه بر یک قرن گذشته جهان است. سرچشمه واقعی این یادآوری، ضرورت عروج کمونیسم انقلابی و نیاز صدها برابر جهان امروز به انقلاب کارگری عظیمتری است. شیپور انقلابی کردن جهان و زبرور کردن اوضاع موجود باید از نو نواخته شود. انقلاب اکتبر اثبات این حقیقت بود که طبقه کارگر بدون کمونیسم و حزب کمونیستی خود به جایی نمیرسد. با کاربست خلاقانه تجارب تاریخی پرافتخار انقلاب کارگری کارگران جهان روسیه و درس آموزی از نارسائیهای آن، و مسلح به حزب سیاسی 1917 کمونیستی خود، میتوانند زنجیرهای سنگین بردگی مزدی این سنگ بنای استثمار و ستم سرمایه داری را از دوش خود و کل بشریت بردارند و برای همیشه این نظام را به گور بسپارند. امروز صدها بار روشن است که رهایی انسان در گرو رهایی از انقیاد سرمایه، در گرو برقراری جامعه آزاد و برابر کمونیستی است. جامعه ای که در آن شکوفائی آزادانه هر انسان شرط شکوفائی آزادانه همگان است.

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (کنگره اکتبر)

چهاردهم ابان ۱۳۹۶ - پنجم نوامبر ۲۰۱۷

ارائه دهنده: فاتح شیخ

حمایت کنندگان: ناصر مرادی، حسین مراد بیگی، سیاوش دانشور، رحمان حسین زاده، رضا کمانگر، ملکه عزتی، اسماعیل ویسی، نسرین محمودی آذر، سیف خدایاری، جمال کمانگر، سعید یگانه، سیوان کریمی

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم،

بدون امید سوسیالیسم، بدون خطر

سوسیالیسم، به چه منجلاپی تبدیل

می شود!



ما به یک پیروزی کارگری چشم دوخته ایم!

سیاوش دانشور

۱- حزب کمونیست کارگری-حکمتیست برای یک آینده سوسیالیستی مبارزه میکند. فلسفه وجودی ما بعنوان حزب، احما نظام سرمایه داری، خلع ید سیاسی و اقتصادی از طبقه بورژوازی، استقرار جامعه ای آزاد و مرفه و خوشبخت سوسیالیستی است که به دور باطل حاکمیت های استبدادی مذهبی و ناسیونالیستی یک قرن گذشته در ایران پایان دهد. اهداف برنامه ای و استراتژیک ما از طریق سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و یک انقلاب کارگری پیروزمند تحقق خواهد یافت. یک انقلاب کارگری پیروزمند در ایران، نه فقط میتواند اوضاع منطقه را عوض کند، نه فقط سرآغازی برای رهائی خاورمیانه از نکتب اسلام و فاشیسم و قوم پرستی است، بلکه منشا احیای کمونیسم در قلمرو جهانی و حل مسئله تروریسم اسلامی و بسیاری از مسائل قدیمی و لاینحل در دنیای امروز خواهد بود.

۲- شرایط کُنکرت سیاسی و تشدید بحرانهای تو در تو و پیچیده جامعه ایران، بیش از پیش ضرورت تغییر وضع موجود، هم در بالا و هم در پائین را الزامی کرده است. جامعه ایران با مسائل حاد و پیچیده ای روبرو است که جمهوری اسلامی توانائی حل هیچکدام از مشکلات اقتصادی و اجتماعی و محیط زیستی که خود موجب آن شده است را ندارد. به عبارت دیگر، خود این حکومت مانعی برسر راه هر نوع بهبود اقتصادی و زندگی روزانه طبقه کارگر و اکثریت عظیم جامعه است. این واقعیت را سران جمهوری اسلامی میدانند و بعضا به آن اعتراف میکنند. واقعیت بن بست همه جانبه رژیم اسلامی را هم بورژوازی ایران بخوبی میدانند و هم کارگران و مردم منزجر از جمهوری اسلامی به آن پی برده اند. تناقضات و تشدید جدالهای درون حکومتی از یکسو ناشی از وضعیت بحرانی رژیم اسلامی و از سوی دیگر واکنشی به پتانسیل اعتراضی گسترده در جامعه علیه رژیم اسلامی است. تشدید بحران در بالا انعکاسی از تشدید فشار در پائین است. این جنگی برای بقای حکومت و تلاشی برای کنترل جامعه است. جمهوری اسلامی در منگنه تداوم سیاست صدور تروریسم اسلامی و جنگ افروزی و لشکرکشی در منطقه و سیاست امتیاز دادن به سرمایه داران خارجی برای توسعه سرمایه داری ورشکسته و بحران زده ایران، گیر افتاده است. راه اول، یعنی ادامه سیاست صدور تروریسم با موانع داخلی و خارجی گسترده روبرو است با اینحال جمهوری اسلامی حدالَمکان از این سیاست عقب نخواهد نشست. راه دوم، متضمن پائین کشیدن ستونهای اساسی هویتی و ایدئولوژیک جمهوری اسلامی و لذا تامین امنیت کامل سیاسی و حقوقی سرمایه و برسمیت شناختن

تقدس مالکیت خصوصی و دفاع از مشروعیت آنست، امری که در چهارچوب کنونی جمهوری اسلامی غیر ممکن است. مضاف بر تقابل دو روند اساسی داخلی، فاکتورهای جهانی و منطقه ای که سرمایه در آن بسر می برد، به ضرر جمهوری اسلامی عمل میکنند.

۳- در بالا، آخرین تلاشهای حکومتی برای وقت خریدن و مواجهه با اعتراضات داخلی، توافق موسوم به برجام بود. فشار تنگناهای عظیم اقتصادی و اجتماعی و وحشت از گسترش اعتراضات داخلی، جمهوری اسلامی را علیرغم لفاظی های توخالی خامنه ای ناچار از قبول برجام کرد. واضح است که توقع دولتهای غربی و توقع جناح پرو غرب در حاکمیت و جنبش ملی اسلامی از برجام، صرفا توافق هسته ای نبود. رژیم اسلامی دنبال کسب امنیت نظام بود و غرب خواهان پایان دادن به تروریسم و سیاستهای تاکتونی رژیم در منطقه. مردم ایران از اینکه فعلا هیولای اسلامی مجبور به عقب نشینی شده و بهانه "تحریم هستیم" از دست رژیم درآمده است، خوشنودی خود را از این معاهده ابراز کردند. در این زمینه ما در سند اوضاع سیاسی کنگره هفتم اعلام کردیم: "رفع تحریمها و برقراری رابطه مجدد با قدرتهای غربی و اساسا کشورهای اروپایی اگرچه به نیازهای کوتاه مدت و امروز به فردا کردن اقتصاد بورژوایی ایران کمک میکند، اما چاره ساز معضلات بنیادی گریبانگیر اقتصاد سرمایه داری ایران نیست. وجود هیئت حاکمه متعارف بورژوائی تثبیت شده و تضمین کننده رشد و توسعه اقتصاد کاپیتالیستی در ایران از درون جمهوری اسلامی در نمی آید و فعلا جزو رویاهای غیر عملی بورژوازی ایران است."

۴- کشمکش آمریکا و غرب با جمهوری اسلامی برسر برجام اساسا جنگ روانی برای امتیازگیری است. لفاظی های تهدید آمیز ترامپ در قالب کنار گذاشتن برجام اعمال فشار به جمهوری اسلامی برای دست کشیدن از دخالتگری و توسعه طلبی در منطقه است. همینطور لفاظی خامنه مبنی بر "پاره پاره" کردن برجام، تلاشی برای وادار کردن دولت آمریکا برای قبول جمهوری اسلامی و تضمین امنیت آنست. سیاست دولت آمریکا و موثلفینش در شرایط کنونی نه "رژیم چنج" بلکه همچنان تلاش برای "تغییر رفتار" حکومت اسلامی است. اعلام علنی روحانی که در کنار سپاه پاسداران خواهد ایستاد و اعلام علنی این سیاست از جانب خاتمی "رهبر اصلاحات" بیانگر اینست که هر دوی اینها، علیرغم ادعای ظاهری "تعامل با جهان" و "گفتگوی تمدنها" رفتن زیر پرچم خامنه ای و تائید سیاست جنگ افروزی جمهوری اسلامی است. دلقکهای سیاسی "اصلاح طلب" که کارشان تنها بزک کردن جمهوری اسلامی در قالب ایجاد توهم به اصلاحات از درون این رژیم و تحمیل آن به طبقه کارگر و مردم آزادخواه



ما به یک پیروزی کارگری چشم دوخته ایم!

سیاوش دانشور

بوده است، فعلا از صحنه غیب شان زده است. اما این مانع آن نخواهد شد که در مضحکه سیاسی دیگری که جمهوری اسلامی راه میاندازد حضور بهم نرسانند و "رسالت" خدمت به این حکومت و حفظ و بقای آنرا بدوش نگیرند. حزب حکمتیست در تقابل خود با جمهوری اسلامی نقد و افشاء مستمر این دلکهای سیاسی را تضمین میکند. تفسیر لفاظی های ترامپ به "رژیم پنج" و منطبق کردن آن با مصالح روز خود و راه انداختن جنب و جوش حول آن از جانب جریانات جنبش ناسیونالیسم پروغرب، مجاهدین خلق، احزاب و گروههای پرو سویت سابق، همینطور امیدواری چپ ناسیونالیست و شش جریان سیاسی در کردستان ایران، تنها آب به آسیاب حکومت اسلامی میریزد.

۵- در پائین، ناسازگاری جامعه با حکومت اسلامی خصلت مشخصه سیاست در ایران است. معضلات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و بحران همه جانبه جمهوری اسلامی بیش از پیش سر باز میکنند و مسئله سرنگونی حکومت اسلامی کماکان صورت مسئله اصلی جامعه و وظیفه بلافصل کمونیسم کارگری است. یک فاکتور تعیین کننده سیاست ایران که امروز بیش از هر زمانی مهمترین نگرانی حکومتها را تشکیل میدهد، عروج جنبش اعتراضی کارگری در ابعاد گسترده است که نفیا و اثباتا علیه سرمایه داری و حکومت اسلامی حافظ آنست. جنبش کارگری و اعتراضات کارگری گسترده و بخشا سراسری و همزمان در ایران، علیرغم سرکوب ها و پرونده سازی ها و اخراج ها، یک جنبش بالنده و رو به رشد با مشخصات رادیکال و بعضا سوسیالیستی است. این جنبشی است که میتواند خواست وسیع سرنگونی و انواع نارضایتی در جامعه را به یک راه حل و یک آلترناتیو انقلابی در مقابل راه حل و آلترناتیوسازی ارتجاعی ارتقا دهد.

۶- یک تقابل اساسی و یک روند تعیین کننده آتی سیاست ایران، جدال آلترناتیوهای طبقات متخاصم و متمایز اجتماعی است. بورژوازی ایران علی العموم نه خواست و نه توانائی گذر از استبداد سیاسی به پارلماناریسم را در ایران دارد. بورژوازی ایران به استبداد سلطنتی سابق و استبداد دینی کنونی و گذاشتن فردی در راس آن برای استثمار کار ارزان و کارگر خاموش و از این طریق تسری این استبداد به کل جامعه نیاز دارد. این طبقه کارگر در ایران است که به حکم موقعیتش در اقتصاد میتواند آزادی و رهائی جامعه را با بزرگ کشیدن طبقه حاکمه بورژوا و لغو مالکیت خصوصی و کار مزدی تامین کند. جامعه ایران راهی جز این ندارد. ادامه حاکمیت بورژوازی و اقشار

مختلف آن در فردای رفتن جمهوری اسلامی مجددا به استبداد سیاسی و حکومتی این طبقه منجر خواهد شد. این را رهبران و سخنگویان آن علیرغم هر توهم پراکنی در مورد رعایت "حقوق بشر" و "دمکراسی" و "رای مردم" و غیره، در موارد مختلفی علنا بیان میکنند. زن برابری طلب و جوان سکولار و آزادیخواه جامعه ایران اگر بخواهند به این دور باطل خاتمه دهند لازم است حول کمونیسم کارگری و جنبش طبقه کارگر برای آزادی جامعه بسیج شوند. استراتژی حزب حکمتیست در پروسه سرنگونی برای مهمترین احتمالات جا باز میکند، آنها را در سیر جدال برای پیروزی و تبیین سیاست و تاکتیک دخیل و آگاهانه صفوف حزب و طبقه کارگر و بخش پیشرو جامعه را برای آنها آماده میکند.

۷- حزب کمونیست کارگری - حکمتیست همراه با میلیونها مردم کارگر و زحمتکش برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه میکند. اما دشمن ما و طبقه کارگر و اکثریت عظیم مردم زحمتکش، صرفا جمهوری اسلامی نیست بلکه خود نظام استثمارگر و آبروباخته سرمایه داری است. در عین حال ما در هر وضعیت مشخصی و در هر تناسب قوای دوره گذار، خط مشی ای را دنبال میکنیم که هرچه سریعتر و کم مشقت تر به اهداف نهائی جنبش مان نزدیک شویم. حزب حکمتیست در ادامه سیاست تاکنونی خود در تقابل با جمهوری اسلامی بعنوان اصلی ترین و فعالین ترین عامل صدور تروریسم اسلامی به منطقه و دیگر نقاط جهان، دخالت جمهوری اسلامی در امور داخلی کشورهای منطقه، ایجاد دستجات اوباش مانند "حشد الشعبی"، راه انداختن جنگ مذهبی در میان مردمی که تا دیروز در کمال آرامش در کنار هم زندگی میکردند، گسترش تسلیحات جاه طلبانه و جنگ افروزیهای این حکومت را که خطرات آن مستقیما متوجه جامعه و مردم ایران است، قویا محکوم میکند. حزب حکمتیست مخالف هر نوع تهاجم نظامی، تحریم تجاری، آلترناتیو سازی و بند و بست از بالای سر مردم ایران است. ما و طبقه کارگر به هیچ حاکمیت و دولت بورژوائی در ایران بعد از جمهوری اسلامی رضایت نخواهیم داد. هر تغییر و تحول در صفوف کمپ بورژوائی و ساختار سیاسی قدرت در ایران برای ما فراخوانی به فوریت سرنگونی سرمایه داری توسط یک حرکت انقلابی و کارگری است.

۸- بعنوان یک سیاست عمومی، حزب حکمتیست برای تقویت بستر سرنگونی طلبان در مقابل طرفداران رژیم، برای تقویت اردوی چپ جامعه در مقابل اردوی راست جامعه، برای تقویت افق سوسیالیستی و کمونیستی و مارکسی در میان اردوی چپ جامعه تلاش میکند. یک پروژه سیاسی حزب حکمتیست بسیج جامعه و اردوی چپ آن حول سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و بدست دادن راه حل کارگری بحران سیاسی و اجتماعی موجود



اینست که طبقه کارگر و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی برای پیروزی باید حول پرچم کمونیستی آزادی جامعه بسیج شود. سرنگونی جمهوری اسلامی پیش شرط هر گشایش واقعی و جدی اقتصادی و سیاسی در شرایط موجود و گام ضروری در راه تحقق انقلاب سوسیالیستی در ایران است. کنگره اکتبر اعلام میکند که ما به یک پیروزی کارگری چشم دوخته ایم و کارگران و اردوی آزادیخواهی و برابری طلبی را برای کسب این پیروزی به صفوف حزب اکتبر فرامیخوانیم!

پیشنهاد دهنده: سیاوش دانشور

حامیان: ملکه عزتی، جمال کمانگر، پروین کابلی، رحمان حسین زاده، فاتح شیخ، شهلا نوری، سیوان کریمی، اسماعیل ویسی، ابوبکر شریفزاده، رضا کمانگر، سیف خدایاری، سعید یگانه، ناصر مرادی، علی مطهری

ملیت برخلاف جنسیت مخلوق
طبیعت نیست، مخلوق جامعه و
تاریخ انسان است. ملیت از این
نظر به مذهب شبیه است. اما
برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی
حتی در سطح فرمال هم انتخابی
نیست. بعنوان فرد نمیتوان به
ملیت خاصی گروید و یا از آن برید

منصور حکمت

ملت ناسیونالیسم و برنامه
کمونیسم کارگری

ما به یک پیروزی کارگری چشم دوخته ایم!

سیاوش دانشور

است. به این اعتبار ما تلاش میکنیم که اولاً، نگرش و نوع انتقاد کمونیستی ما به وضع موجود و نفی حاکمیت رژیم اسلامی به نگرش و زبان عام اردوی چپ جامعه و جنبشهای ضد تبعیض تبدیل شود. ثانیاً، بر تحزب قدرتمند کمونیستی بمثابه رکن اساسی و غیرقابل بحث هر تحول انقلابی و کارگری تاکید داریم. ثالثاً، برای ایجاد بلافصل سازمانهای حزبی و توده ای طبقه کارگر بعنوان ستاد جنگی پرولتاریا علیه وضع موجود و نیروهای بورژوازی و ضد کارگری تلاش میکنیم. رابعاً، در تقابلهای کنکرت با جنبشها و طبقات دارا و شکستن نقطه سازشها بر سر مبارزه جاری علیه جمهوری اسلامی؛ از جمله سیاستهای جنبش ملی اسلامی برای سازش با بخشی از حکومت و تلاشهای اپوزیسیون بورژوازی برای آلترناتیو سازی، بر بمیدان آوردن آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری جامعه حول خطوط عام اهداف طبقه کارگر برای رهائی از جمهوری اسلامی و سرمایه داری تاکید داریم. خامساً، انقلاب کارگری در منطقه ای بحران زده، که فاکتور نظامیگری توسط بورژوازی به آن تحمیل و به یک داده سیاست بدل شده است، نیازمند آمادگی بدون ابهام برای سازماندهی یک نیروی نظامی قدرتمند برای دفاع از خود و برای تقابل با احتمالاتی است که میتواند نه فقط افق انقلاب کارگری بلکه کل جامعه و زندگی معمولی را زیر سوال ببرد.

۹- کنگره هشتم حزب حکمتیست اعلام میکند که دوره آتی، دوره قدرتمندی وسیع تر جنبشهای اجتماعی ریشه دار در جامعه، جنبش کارگری، جنبش علیه فقر و بیکاری، جنبش آزادی زن، جنبش علیه اسلام و خرافه خواهد بود. تشدید بحران حکومت اسلامی و تشدید فقر و گرسنگی و بیکاری و اختناق و بی آیندگی دهها میلیون نفر، چشم انداز یک تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی را به صدر سیاست ایران میراند. این دوره ای است که طبقات متخاصم اجتماعی و جنبشها و احزابشان همزمان و با هدف پیروزی وارد این تعیین تکلیف خواهند شد. جمهوری اسلامی و نیروهای بازیگر صحنه سیاست ایران در دوره جدید با مصافها و تعیین تکلیفهای جدی روبرو خواهند شد. حزب کمونیست کارگری حکمتیست در این تحولات برای یک رهایی قطعی جامعه از تبعیض و نابرابری و استثمار مبارزه و با ارتقای توان سازمانی و سیاسی و پراتیکی خود در مصافهای تعیین کننده دوره آتی، برای به پیروزی رساندن طبقه کارگر و کمونیسم کارگری در جدالهای سرنوشت ساز تلاش میکند.

۱۰- فراخوان کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست





جامعه ایران به پیشروی جنبش کارگری

چشم دوخته است!

رحمان حسین زاده

۱- گسترش قابل توجه اعتراضات و اعتصابات در مراکز و رشته های مختلف کارگری خصلت نمای ظرفیتهای بالا و تواناییهای تعیین کننده مبارزاتی نهفته در جنبش طبقه کارگر ایران و همزمان منعکس کننده محدودیتهای و موانع پیشروی جنبش اساسی و دگرگون کننده در جنبش کارگری است. این موقعیت متناقض دو وجه قابل مشاهده جنبش کارگری و اعتراضات جاری کارگری است. شناخت دقیق هر دو وجه مسئله لازمه اتخاذ سیاست موثر کمونیستی و کارگری فعال در قبال جنبش طبقه کارگر است.

بورژوازی و جمهوری اسلامی دقیقا در راستای تقابل با تواناییهای جنبش کارگری علیه استثمار و حاکمیت سرمایه است.

ب- در عین حال رهبران رادیکال کارگری، کارگران کمونیست و ما برای امر واقفیم، محدودیتهای پیشروی جنبش کارگری و اعتصابات و اعتراضات جاری کارگری، مانع جهش اساسی جنبش کارگری برای بهبود تعیین کننده در شرایط کار و زندگی کارگران، علیه وضع موجود و در تنگنا قرار دادن نظم حاکم سرمایه و هیئت حاکمه اسلامی ضد کارگری است. نیاز به کار ارزان در جهت سودآوری نجومی سرمایه داران و دولت سرمایه، موجب تعرض معیشتی سببانه و تحمیل شرایط کار برده واری است که کل طبقه کارگر ایران، اعم از شاغل و بیکار، کارگران مراکز صنعتی و بزرگ، یا مراکز و رشته های کوچک و پراکنده کارگری را تحت فشار قرار داده است. شاخص واضح تعرض وسیع و گستاخانه سرمایه داران و دولتشان را در پدیده ای چون دستمزدهای معوقه چند ماهه و چندین ماهه و گاهی یکساله و دوساله، میتوان دید. سازماندهی بیش از نود درصد اعتصابات و اعتراضات جاری حول مطالبه گرفتن دستمزدهای معوقه، اگر چه مقاومت و مبارزه ای بسیار ضروری و حیاتی است، اما در نفس خود یک ترفند و مانع تحمیل شده بزرگ سرمایه داران و دولت مقابل پیشروی جنبش کارگری و یک عامل محدود کننده در مسیر تحقق دیگر مطالبات فوری معیشتی و اقتصادی طبقه کارگر است. مولفه هایی چون دستمزد تعیین شده هر سال چند بار زیر خط فقر، بیکاری میلیونی، تغییرات در سازمان کار و تکه تکه کردن بخشهای مختلف کار، ایجاد تفرقه گسترده در صفوف کارگران، اضافه کاری، کار موقت و شرایط کار برده وار و قراردادهای سفید امضا، محرومیت از حق تشکل و اعتصاب، مجموعا ابتدایی ترین استانداردهای امنیت شغلی را از بین برده است. زندگی و جسم و جان کارگر و خانواده کارگری را له کرده، مجموعه این فاکتورها موانع بزرگ پیش پای پیشروی اساسی تر جنبش کارگری است. این وضعیت تناسب قوای تحمیل شده به شدت

الف- برجسته ترین خصلت مبارزاتی یکسال اخیر در جامعه ایران گسترش مداوم اعتصابات و اعتراضات کارگران بسیاری رشته ها و مراکز کارگری علیه کارفرمایان و هیئت حاکمه جمهوری اسلامی است. این مبارزات بر محور ایستادگی در مقابل تعرضات معیشتی وسیع و شنیع سرمایه داران و دولت سرمایه اسلامی و تلاش برای بهبود مستمر شرایط کار و زندگی، مقابله با ترفندها و توطئه های متعدد علیه حق طلبی کارگری و مقاومت در مقابل سرکوبگری مستمر علیه رهبران و فعالین کارگری استوار است. اعتصابات و اعتراضات وسعت یافته جاری کارگری این خودآگاهی طبقاتی و این آمادگی مبارزاتی را میرساند که طبقه کارگر ایران بیش از این به شرایط کار ارزان و استبداد خشن و سرکوبگری تن نمیدهد. بدون اعتصابات و اعتراضات و تظاهراتهای کارگران، معلمان، پرستاران، بازنشستگان و دیگر بخشهای اردوی کار ایران فقر و نداری و بی تامینی زندگی بسیار وحشتناکتر از آنچه هست بر طبقه کارگر تحمیل میشد. علیرغم ترفندهای متنوع سرمایه داران و دولتشان در جهت محدود کردن و کوچک نشان دادن این مبارزات، علیرغم سطحی گری چپ غیرکارگری در کم اهمیت جلوه دادن تحرک مبارزاتی کارگران، معلمان، بازنشستگان، پرستاران و دیگر بخشهای اردوی کار زیر لوای پراکندگی و دفاعی بودن این اعتراضات، اما کمونیسم کارگری و رهبران و فعالین کمونیست کارگران جایگاه پر اهمیت تک تک اقدامات اعتراضی کارگری جاری از کوچک تا بزرگ را به روشنی تاکید کرده و همین مبارزات نشان میدهد، جنبش کارگری مطرحتترین و سرزنده ترین و پیشروترین جنبش سیاسی، اجتماعی حاضر در صحنه جدال سیاسی و طبقاتی جامعه ایران است. همین واقعیت و چشم انداز عروج تمام قد این جنبش کابوس سران بورژوازی و جمهوری اسلامی است. تمامی ترفندها، سرکوبگریها و مانورهای متنوع



جامعه ایران به پیشروی جنبش کارگری

چشم دوخته است!

رحمان حسین زاده

نامساعد و نابرابر علیه جامعه و به طور اخص علیه جنبش کارگری و اعتراضات کارگری ایجاد کرده است. تحمیل و حفظ این تناسب قوا بدون حاکمیت استبدادی خشن و اختناق وسیع و دایمی و سرکوبگری مداوم علیه طبقه کارگر و فعالین کارگری ممکن نیست.

۲- جنبش کارگری مهر مبارزات گسترده بر بستر تند پیچ های مهمی را بر خود دارد که در چهار دهه اخیر از سر گذرانده است. پتانسیل و تواناییهای مبارزاتی به دست آمده در جنبش کارگری و همزمان موانع و محدودیتهای تحمیل شده توسط کاپیتالیسم و دولت سرمایه داران بر جنبش کارگری هر دو پدیده ای بدون پیشینه در حیات مبارزاتی و سیاسی طبقه کارگر ایران نیست. از جمله از مقطع وقوع انقلاب ۵۷ تا قبل از شروع سرکوبهای وسیع و گسترده خرداد سال ۶۰، جنبش کارگری دوره بسیار مهمی از پیشروی و تحرک و مبارزه همه جانبه را تجربه کرد. دستاوردهای طبقاتی و سنتهای با ارزش اعمال اراده مستقیم کارگری را پشت سر گذاشت. در همان دوره این درس بزرگ تجربه شد که لازمه رهایی قطعی جامعه قد علم کردن طبقه کارگر در قامت رهبری تحولات جامعه است. در راستای تعیین تکلیف قدرت سیاسی به نفع طبقه کارگر و کمونیسم و آزادیخواهی، یکبار دیگر این درس بدیهی برجسته شد که حزب کمونیستی رهبر و سازمانده در راس طبقه کارگر لازم است. در قدم بعدی در دوره سرکوب خشن سال ۶۰ و تا کنون هم طبقه کارگر و پیشروان آن با ایستادگی و مبارزه جویی موجودیت طبقاتی و جنبشی و مبارزاتی خود در مقابل یکی از هارترین رژیمهای بورژوازی دوران معاصر را تثبیت کردند. سپس دوران سخت جنگ ایران و عراق و پیامدهای آن نتوانست طبقه کارگر را به تمکین بکشاند. از مبارزه علیه لایحه های مختلف قانون کار سراپا ضد کارگری درسهای گرانبهایی آموخته شد. عرصه گرامیداشت اول مه و احیای این سنت جهانی کارگری به عرصه پرشور سازماندهی، اتحاد و همبستگی و اعلام کیفرخواست کارگری علیه کاپیتالیسم تبدیل شد. در نتیجه جنبش کارگری پختگی خود را از دل چنین جدال همه جانبه ای کسب کرده است. اکنون با جنبش کارگری ای پرتجربه، صاحب فعالین ورهبران خود آگاه و حاضر در صحنه، دارای مطالبات اقتصادی و سیاسی روشن روبرو هستیم. اعتصابات و اعتراضات

کارگری جاری گوشه ای از پتانسیل بالایی است که با اندک تغییری در تناسب قوا شاهد جهش بزرگی خواهیم بود و نقش تعیین کننده ایفا خواهد کرد. اکنون صورت مسئله اساسی چگونگی تغییر تناسب قوا به نفع طبقه کارگر و جنبش کارگری است.

۳- مولفه های تغییر تناسب قوای کنونی: تغییر تناسب قوا در سطح ماکروی کل جامعه به فاکتورهای متعدد تحولات سیاسی و صف بندیهای مبارزاتی گره خورده و تماما در دست طبقه کارگر و مبارزات کارگری نیست، اما یک فاکتور محوری آن به میدان آمدن سازمانیافته تر و قدرتمندتر و حتی سراسری تر جنبش کارگری است. تا آنجا به اراده مستقیم طبقه کارگر مربوط است، تک تک مبارزات جاری کارگری علاوه بر اهمیت در خود آن در تحقق مطالبات فوری و برای بهبود شرایط کار و زندگی در عین حال بخشی از گامهای کارگران در مسیر تغییر تناسب قوا هم به نفع جنبش کارگری و هم به نفع تغییر تناسب قوای عمومی تر اجتماعی است. گسترش اعتراضات جاری، فراتر رفتن آنها از سطح یک مرکز و رشته کارگری و سراسری تر شدن اعتراضات کارگری و به ویژه گسترش این اعتراضات به مراکز کلیدی کارگری، در کنار دخالتگری سیاسی طبقه کارگر در جدالهای طبقاتی و اجتماعی قطعاً فاکتورهای تعیین کننده در تغییر تناسب قوا به نفع جامعه و جنبش کارگری است. در شرایط حاضر پیشروی قدم به قدم کارگران در عرصه های زیر تناسب قوای بسیار مساعدتری را موجب خواهد شد.

الف- سازماندهی مبارزه ای موثر و سراسری علیه دستمزدهای

معوقه: دستمزدهای معوقه زخمی عمیق بر پیکر جنبش کارگری است. این پدیده زشت به نحو دردناکی جنبش کارگری را به عقب رانده است. سرمایه داران و دولت سرمایه، پدیده شنیع دستمزد معوقه را با بهانه کمبود سرمایه، ورشکستگی مراکز کار و اقتصادی و ... توضیح میدهند. اینها توجیهاتی وارونه و گستاخانه است. تحمیل دستمزدهای پرداخت نشده، دقیقاً نقشه آگاهانه سرمایه داران ایران و دولت سرمایه در راستای کسب سود نجومی، تصاحب بخش مهمی از حق کارگران و بکارگیری آن در گردش سرمایه به نفع خود، دزدی آشکار صاحبان سرمایه به قیمت گرسنه نمودن خانواده کارگری است. نتیجه بلاواسطه و به شدت منفی آن پایین آوردن سطح توقع و انتظارات کارگران، به عقب راندن مبارزه جویی کارگری حول دستمزدهای معوقه و به درجه زیادی حاشیه ای کردن دیگر مطالبات عاجل و فوری کارگری در مبارزات جاری است. شکل گیری بیش از نود درصد اعتراضات کارگری حول دستمزدهای پرداخت نشده، این واقعیت تحمیلی دردناک را میرساند. جنبش کارگری راه گریزی ندارد، جز اینکه در تحرکی هدفمند و سراسری و موثر علیه این درد مشترک و با خواست



جامعه ایران به پیشروی جنبش کارگری چشم

دوخته است!

رحمان حسین زاده

گرفتن دستمزدهای معوقه به این تعرض گستاخانه پایان دهد. پایان دادن به این پدیده، علاوه بر بهبود فوری شرایط کار و زندگی، یک عامل مهم تغییر تناسب قوا به نفع جنبش کارگری و فرصتی ایجاد میشود، تا مبارزات کارگری با انتظارات واقعی و بالاتر حول مطالبات عاجل اقتصادی و سیاسی در مقابل تعرض سرمایه قد علم کند.

ب- تقویت مبارزات جاری حول فوریت‌ترین مطالبات کارگری:

مقابله موثر و سراسری با تعیین دستمزد زیر خط فقر، خواست افزایش فوری دستمزدها، مطالبه بیمه بیکاری، به رسمیت شناسی حق اعتصاب و تشکل عاجل‌ترین مطالباتی است که لازمست اعتراضات کارگری حول آن بیشترین اتحاد و همبستگی را ایجاد کند.

ج- اتحاد کارگری علیه بیکاری: دامن زدن به جنبش اتحاد کارگری علیه بیکاری، ایجاد بیشترین و محکم‌ترین اتحاد و همبستگی میان کارگران شاغل علیه بیکاری، گام مهم دیگری در تغییر تناسب قوا و پیشروی کلیت جنبش کارگری و عقب راندن دولت سرمایه و صاحبان کار است.

د- نقش تعیین کننده تحرک اعتراضی مراکز کلیدی کارگری:

ظرفیت اعتراضی مراکز کلیدی کارگری به تحرک در نیامده است. شرایط شغلی بالنسبه مناسبتر در این مراکز نسبت به بخشهای وسیعی از مراکز و رشته های کارگری که حتی همین قانونکار ضد کارگری جمهوری اسلامی هم شامل حال آنها نمیشود، به نوعی امکانگرایی و حفظ شرایط موجود را در میان کارگران مراکز صنعتی و کلیدی دامن زده است. با این وصف واضح است در مراکز کلیدی کارگری نیز تعرض معیشتی، دستمزد زیر خط فقر، عدم تامین ایمنی محیط کار و زدن مزایا و تهدید به بیکاری و بیکارسازی و سرکوب و بازداشت فعالین کارگری، مداوماً گریبان کارگران را گرفته است. این تعرضات میتواند پایه های گسترش و قدرتمند شدن تحرک اعتراضی موثر در مراکز صنعتی و کلیدی کارگری را تقویت کند. مواردی از اعتراضات و اعتصابات مهم کارگری در پتروشیمی ها، پارس جنوبی، ماشین سازیها و اخیراً در آذراب و هپکو همین واقعیت را نشان میدهد. اما این گوشه محدودی از ابراز وجود قدرتمند کارگری در مراکز کلیدی کارگری ایران

است. مسئله اینست رهبران و فعالین رادیکال کارگری و کارگران کمونیست در همان مراکز کارگری و در جنبش کارگری با تشخیص دقیق و تلاش مسئولانه برای رفع موانع سد راه به میدان آمدن همه ظرفیت کارگران در این مراکز بکوشند. جهش اساسی جنبش کارگری ایران در گرو گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری به مراکز کلیدی و صنعتی کارگری است.

ه- ایجاد تشکل توده ای کارگری: پیشروی طبقه کارگر لازمست در ایجاد تشکلهای توده ای کارگری پایه و در محل کار و در سطح سراسری تجسم پیدا کند. در تناسب قوای کنونی، تلاش برای ایجاد تشکلهای پایه در مراکز و رشته های کارگری یک امر فوری و عملی و واقعی است. در قدم بعدی و با اتکا به وجود تشکلهای کارگری پایه برای ایجاد تشکل سراسری کارگری میتوان گام جدی برداشت. تشکل سراسری کارگری چنانکه به تشکلهای پایه در مراکز و رشته های کارگری اتکا نداشته باشد، عملاً تشکلی فاقد قدرت عمل جدی است و ادامه کاری نخواهد داشت. در تناسب قوای بالنسبه مساعدتر همزمان میتوان تلاش آگاهانه برای گسترش ایجاد تشکلهای پایه و ایجاد تشکل سراسری کارگری و توده ای را پیگیری کرد. ما از هر تلاش آگاهانه کارگران برای ایجاد سازمانهای مستقل و توده ای کارگری حمایت میکنیم. به عنوان گرایش کمونیستی طبقه کارگر و به عنوان حزب حکمتیست بیش از پیش بر دامن زدن به جنبش مجمع عمومی و شورایی کارگر تاکید داریم. ضرورت و مبرمیت ایجاد مجمع عمومی و شورایی کارگری در بطن اعتراضات جاری کارگری تاکید میکنیم و خود راسا برای ایجاد آنها تلاش میکنیم.

۴- جنبش طبقه کارگر، قدرت سیاسی و مبرمیت تحزب کمونیستی

کارگری

جامعه ایران با تحولات و تلاطمات سیاسی جدی روبرو است. جدالهای طبقاتی و مبارزاتی بسیار تعیین کننده در راه است. چشم اندازهها و افق های سیاسی متفاوت در قبال جامعه قرار خواهند گرفت. جنبشهای مختلف سیاسی و اجتماعی حاضر در صحنه هر کدام در نظر دارند، مهر خود را بر این تحولات بکوبند. تمام تجارب تاکنونی و از جمله تجربه پشت سر گذاشتن سرنوشت انقلاب ۵۷ به ما میگوید، این بار جنبش طبقه کارگر به عنوان جنبش مدعی قدرت گیری و هدایت گر مبارزه و تحرک انقلابی جامعه برای تعیین تکلیف با جمهوری اسلامی و جنبش های بورژوازی باید رسالت خود را به جای آورد. ایفای چنین رسالتی سازمان رهبری کننده و کمونیستی جنبش طبقه کارگر را میطلبد. در جدالهای سیاسی جامعه، جنبش ها و طبقات اجتماعی از کانال احزابشان نمایندگی میشوند. طبقه کارگر هم از



قرار درباره ضرورت گسترش تلاش

برای حفاظت از محیط زیست



حاکمیت سرمایه بر تولید و منابع طبیعی جهان و حرص و طمع افسارگسیخته بورژوازی در جهت سودجویی بیشتر، امروز بیش از هر زمان خسارات ناشی از آن را متوجه محیط زندگی بشر کرده است. گسترش جنگ در مناطق مختلف جهان، و تخریب مستقیم زیستگاه و نیز افزایش مواد رادیواکتیو و سموم ناشی از بمب ها بهره برداری سودجویانه بیش از پیش از منابع طبیعی، آوارگی میلیونها انسان در جستجوی نان و امنیت و شرایط بهتر زندگی، در کنار آن افزایش آلودگی هر چه بیشتر کره زمین در هوا و زمین، از بین رفتن سیستم های طبیعی بازیایی، بشریت را در مقابل تهدیدات جدی قرار داده است.

ایران تحت تسلطه جمهوری اسلامی یک مورد خطیر از این موقعیت هشداردهنده است. ضایع شدن منابع طبیعی، خشک شدن منابع آبی مانند دریاچه ها و چشمه های طبیعی و ته کشیدن منابع زیرزمینی آب، سد کردن مخرب میسر آنها، از بین رفتن جنگلها، آلودگی هوای شهرها و روستاها و حلی آبادهای اطراف کلانشهرها، کابوس هجوم ریزگردها مجموعا شرایط خطرناکی را برای زیست انسان و گیاهان و حیوانات بوجود آورده اند.

جنبش اعتراض علیه این چپاولگری و این وضعیت خطیر در راستای حفاظت از محیط زیست اکنون در ایران در حال گسترش به یک جنبش مردمی میباشد. اعوان وانصار جمهوری اسلامی که خود عامل اصلی این وضعیت هستند در مقابل این جنبش میایستند و تلاش میکنند مانع گسترش آن شوند. گسترش جنبش اعتراضی در قدم اول مانعی جدی بر علیه سودجویی رژیم و مفت خورانی است که محیط زیست انسان و طبیعت را به باد فنا میدهند.

کنگره هشتم حزب حکمیتست ضمن تاکید بر این اصل که

جامعه ایران به پیشروی جنبش کارگری چشم

دوخته است!

رحمان حسین زاده

طریق حزب کمونیستی خود باید در همه لحظات جدالهای اجتماعی و طبقاتی و به ویژه در مقطع تعیین تکلیف قدرت سیاسی نمایندگی شود. کارگران کمونیست، رهبران رادیکال و پیشرو کارگری لازمست به روشنی مبرمیت اتکا به تشکل یابی حزبی و حزبیت کمونیستی طبقه کارگر را در میان صفوف کارگران اشاعه دهند. با گرایش تحزب گریزی و دور کردن کارگران از دخالتگری در تحولات سیاسی مبارزه کنند. درس مهم انقلاب ۵۷ و درسهای برگرفته از همه تحولات مهم چند دهه اخیر این واقعیت بدیهی را تاکید میکند، که جنبش طبقه کارگر بدون کمونیسم و تحزب کمونیستی خود و کمونیسم و حزب کمونیستی هم بدون درهم تنیدگی طبقاتی و اجتماعی با طبقه کارگر نمیتواند آزادی و رهایی قطعی انسان را از استثمار و ستم ممکن سازند. کمونیسم کارگری به عنوان گرایش فی الحال موجود در جنبش کارگری و حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از همان ابتدا با رسالت تحکیم همسرنوشتی جنبش کارگری و جنبش کمونیستی پا به عرصه گذاشته است. ما برای ایفای این نقش تاریخی طبقاتی با تمام توان میکوشیم. مصممیم محدودیتها و موانع سیاسی و عملی سد راهمان را کنار بزنیم. در این مسیر همت و همگامی کارگران کمونیست و رهبران و فعالین رادیکال و سوسیالیست کارگری را به یاری میطلبیم. رهبران و فعالین رادیکال کارگری و کارگران کمونیست را به انتخاب حزب حکمیتست فرامیخوانیم.

پیشنهاد کننده: رحمان حسین زاده

حمایت کنندگان: پروین کابلی، ناصر مرادی، جمال گمانگر، فاتح شیخ، حسین مراد بیگی (همه سور) ملکه عزتی، سعید یگانه، نسرین محمودی آذر، سیف خدایاری، سیوان کریمی، اسماعیل ویسی، محسن حسینی، سیاوش دانشور، رضا کمانگر و علی مطهری

بر خورداری از محیط کار و زیست ایمن و

سالم حق پایه ای شهروندان است!



بیانیه حزب حکمتیست در

تقابل با فاشیسم

سیف خدایاری

عروج راست افراطی، خارجی ستیزی، دیوارهای مرئی و نامرئی بین کشورها، تبعیض بر اساس محل تولد و نفرت قومی یکی از مشخصه های جهان امروز است. گرچه "انتخاب" ترامپ توجه جهانی را به عروج نژادپرستی و راست افراطی جلب کرده است، اما ترامپ فقط یکی از نشانه ها و علت و معلول پدیده شوم نژادپرستی است که جهان را در بر گرفته است. خطر فاشیسم، نژاد پرستی و گسترش نفرت قومی برآزادخواهان، چپ ها و کمونیست ها روشن است و تاریخاً یکی از عرصه های مبارزه باوضع موجود بوده است. چپ عمدتاً فاشیسم را در شکل کلاسیک آن و به عنوان ابزاری برای عبور سرمایه داری از بحران و چماق سرمایه داری در سرکوب کمونیسم می بیند و به همین اعتبار جایگاه کمتری برای فاشیسم - در معنی کلاسیک آن - قائل است، اما نئوفاشیسم، نژادپرستی، تبعیض بر اساس محل تولد انسانها و بویژه "مسلمان" ستیزی در دوره اخیر و بعد از داعش هشداردهنده و خطرناک است و تقابل جدی با آن را در دستور کار کمونیست ها قرار داده است.

فاشیسم از جمله پدیده های سیاسی است که تعریف دقیق آن همواره مورد اختلاف چپ و راست بوده است. سرمایه داری لیبرال تلاش کرده است این وجهه کثیف از خود را به دوره ای تاریخی محدود کرده و پرونده آن را دفن کند. از سوی دیگر فاشیسم به سهولت به هر گونه سیستم استبدادی و جنایی اطلاق می شود، درعین اینکه فاشیسم چماق سرمایه داری برای سرکوب چپ است، اما وضعیتی سیاسی - اجتماعی است که از

دل بحرانهای جوامع سرمایه داری ظهور می کند. فاشیسم کلاسیک که در دهه دوم قرن بیستم در ایتالیا به دنیا آمد، در تقابل با کمونیسمی بود که در ایتالیا نظم سرمایه را تهدید می کرد: پس از انقلاب اکتبر تجربه جمهوری وایمار در آلمان، جمهوری شوروی مجارستان، پاییز سرخ در ایتالیا و عروج برابری طلبی در سرتاسر جهان، کنترل کارگری مراکز تولید، شوراهای کارگری و فرهنگ برابری طلبی در حال گسترش بود و نظم سرمایه را به نفع برابری طلبی و سوسیالیسم تهدید می کرد. فاشیسم ایتالیا - که انقلاب اجتماعی راست در مقابل خطر انقلاب کمونیستی بود - با اتحادیه گرایی ملی و امتزاج ناسیونالیسم با سرمایه ایدئولوژی جدیدی بوجود آورد که از مشخصات آن باور به نژاد برتر و برتری جویی قومی، وطن پرستی، نفرت قومی و دشمن تراشی، نظامی گری و استفاده از زور، تبعیض جنسی و باور به قدرت نرینه و به همین اعتبار نفرت از همجنسگرایان، استفاده از کلان رسانه ها به منظور مغزشویی، مذهب برتر، اقتدارگرایی و سرکوب مخالفان می باشد.

گرچه امروز تفاوتی در رابطه با نیاز سرمایه داری برای تقابل با کمونیسم و یا تعرض طبقه کارگر به سرمایه وجود دارد و اساساً تقابل با کمونیسم در دستور کار نیست، اما شباهتهای بین اوضاع سیاسی جاری و دوران عروج فاشیسم وجود دارد: بحران اقتصادی مزمن، سرخوردگی اجتماعی توده های میلیونی بیکار و بی افق، بن بست احزاب راست سنتی در تقابل با بحران های ساختاری سرمایه، نشانه هایی از این بحران سیاسی هستند که راست افراطی را میدان دار کرده است. گرچه راست افراطی هنوز از بستر حفظ بستر موجود سرمایه و چارچوب سیاسی در شکل دولت و پارلمان دست نکشیده است و به این معنی انقلاب اجتماعی راست را در دستور کار قرار نداده است، اما به پشتوانه جنبش اجتماعی که مشخصات

فاشیسم را حامل است، نظم قدیم را به چالش می کشد: شعار "آمریکایی دیگر" از سوی ترامپ، یونانی دیگر از سوی گولدن داون در یونان، ایتالیایی دیگر از سوی لگا نورد و اروپایی دیگر از سوی حزب محافظه کار مردم در اتریش، انتخاب "ترامپ دوم در کشور چک، و نیز اجندای مشترک احزاب راست افراطی در مجارستان، فرانسه، هلند، انگلیس و... چیزی جز ناسیونالیسم عظمت طلب نیست که مخرج مشترک همه جریان فاشیستی است. تلاش برای کسب حمایت از توده های محروم و سرخورده نیز که در آمریکا کارگران سفید را پشت سر ترامپ به خط کرد و راست افراطی در اروپا نیز با شعارهای مشابه نظیر اشتغال، کنترل و یا انسداد مرزها، اخراج پناهنجویان و مقابله با مهاجرت از میان توده ها و اقشار به حاشیه رانده شده جوامع سرمایه داری نیرو می گیرند.

بیگانه ستیزی و عناد کور با کارگران مهاجر و پناهنجویان یکی از مشخصات راست افراطی و جریانات نژادپرست در دوره کنونی است. سیاستهای سرمایه داری نئولیبرال در اروپا و آمریکا که منجر به کاهش خدمات اجتماعی، بیکاری گسترده، حاشیه نشینی و گتوی خارجیان در کشورهای متروپل سرمایه داری شده است، از سویی باعث افزایش تنش ها و آسیب های اجتماعی شده است و از سوی دیگر منجر به انزوای اجتماعی جوانان سرخورد هم مهاجر، نیهیلیسم و فناتیسم شده است.

قربانیان این وضعیت شکار

بیانیه حزب حکمتیست در تقابل با فاشیسم

سیف خدایاری

فاشیستی و ضد نژادپرستی، این جنبش پراکنده و نامتعیین است. باید این نیرو را سازمان داد و به میدان آورد. بسیج این نیروها، مستلزم درجه ای از خودآگاهی است: انسانهای آزادیخواه و کمونیست باید اعلام کنند که نژادی وجود ندارد؛ کره زمین متعلق به همه ساکنان آن است و طبقه کارگر به دلیل نقشی که در تولید و خدمات اجتماعی دارند به طریق اولی صاحبان اصلی این کره خاکی هستند؛ مرزها اعتباری ندارند و هر کس حق دارد هر جا که می‌خواهد زندگی کند؛ باید اعلام کنند که پناهجویان و مهاجران قربانیان نظم موجود سرمایه، محصول دو سده سیاستهای استعمارگرانه، رقابت‌های امپریالیستی؛ جنگ افروزی قدرتهای ارتجاعی؛ استبداد و سلطه مذهب هستند که سرمایه داری برای حفظ موجودیت خود به مثابه یک صنعت از آن استفاده می‌کند. باید اعلام کرد که هر گونه ارجاع به محل تولد، رنگ پوست، زبان و مذهب انسانها ممنوع و محکوم است. حزب حکمتیست کمونیستها و آزادیخواهان جهان را فرا می‌خواند که کمترین فرصتی به تولید نفرت قومی، نژادپرستی، راست افراطی و جریان‌های فاشیستی ندهند و در همه سطوح با اشکال مختلف فاشیسم تقابل کنند.

پیشنهاد دهنده: سیف خدایاری

حامیان: ملکه عزتی، ناصر مرادی، محسن حسینی، جمال کمانگر، جلال محمود زاده، سعید یگانه، ریناس آزا، کریم نوری، شهلانوری،

مریم افراسیاب پور، سیوان کریمی

جریان‌های تروریست اسلامی شده و در چند سال اخیر جنایاتی را در اروپا رقم زده اند که به "نعمتی" برای جریان‌های فاشیستی تبدیل شده اند. یکی از پایه های فاشیسم "سپر بلا" است: گروهی از جامعه که عامل بدبختی به حساب می‌آیند؛ در مقابل نژاد برتر، نژاد پست تری باید وجود داشته باشد. در دوران فاشیسم کلاسیک "یهودیان" قربانی اصلی این باور بودند و اکنون "مسلمانان".

عروج فاشیسم و نژاد پرستی، عروج جریان‌های راست افراطی علاوه بر زمینه های ایزکتیو آن مانند بحران اقتصادی، سرخوردگی اجتماعی و بی‌آفتاب بشر، محصول یک دوره سرکوب تاریخی کمونیسم و چپ در جامعه نیز هست. در دوران فاشیسم کلاسیک به دلیل رویارویی مستقیم فاشیسم با کمونیسم این تقابل آشکار بود و به جنگ‌هایی مانند جمهوریخواهان در مقابل فالتزیستها، نهضت مقاومت در فرانسه، پارتیزانها در ایتالیا و نهایتاً شکست نازیسم هیتلری توسط ارتش سرخ انجامید. نتوفاشیسم و نتو نازیسم در یک خلا تاریخی غیبت احزاب کمونیستی و سوسیالیست رشد کرده است. راست افراطی و نژادپرستان بدون اغراق از سازمان یافته ترین جنبشهای ارتجاعی امروز دنیای ما هستند که کمترین فرصتی را هدر نمی‌دهند؛ خودآگاه هستند و قدرت بسیج نیرو دارند. با وجود جنبشهای اعتراضی وسیع، اما پراکنده ضد

قرار درباره ضرورت گسترش تلاش برای

حفاظت از محیط زیست

- عواقب خطیر روند تخریب محیط زیست در سطح جهانی و در جغرافیای ایران را، در میدیای خود خاطرنشان سازد و نقد و آگاهگری و ارائه راه حل به آن را مورد توجه جدی قرار دهد.

- از جنبش‌هایی که تلاش میکنند خود آگاهی نسبت به محیط زیست و عواقب آلودگی هوا و طبیعت را بالا ببرند و ایجاد یک محیط زیست سالم و رفع تناقض انسان با طبیعت را امری ضروری میدانند،

- از جنبش‌هایی که تلاش میکنند خود آگاهی نسبت به محیط زیست و عواقب آلودگی هوا و طبیعت را بالا ببرند پشتیبانی کند و در تقویت و گسترش آنها و مرتبط ساختن آنها به مبارزات جاری طبقه کارگر تلاش ورزد.

ارائه دهنده: پروین کابلی ۱۹ اکتبر ۲۰۱۷

حمایت کنندگان: ملکه عزتی، رضا کمانگر، سیف خدایاری، فاتح

شیخ، رحمان حسین زاده، سعید یگانه، سیاوش دانشور

تا حاکمیت سرمایه و تولید برای سود دهی از بین نرود نمیتوان روند تخریب طبیعت و ساختار اکوسیستم زمین را به طور قطع متوقف نمود، در عین حال به هر تلاشی برای محدود کردن این تخریب‌ها و حفاظت از محیط زیست ارج مینهد. حزب حکمتیست برخورداری از یک محیط کار و یک محیط زیست ایمن و سالم حق بدیهی و پایه ای شهروندان میدانند.

نظر به اهمیت این مسئله و از آنجا که عواقب وخیم این وضعیت در وهله اول تهدیدی جدی برای طبقه کارگر و مردم تهیدست در ایران و دیگر نقاط جهان است، کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر)، رهبری منتخب و ارگانهای حزبی خود را موظف میدانند که:



دست داده است.

۴- پرچم سکولاریسم سیاسی در رادیکالترین شکل ممکن اش را بطور گسترده و قاطع کمونیسم کارگری برافراشت؛ اما این پرچم بتدریج توسط ملی - اسلامی ها، حال بشکل کاملاً رقیق شده، ربهوده شد. متأسفانه برخی فعالین کمونیسم کارگری جنبش حقوق زن با این توهم که با رقیق کردن افق ماکزیمالیستی کمونیسم کارگری می توانند در بستر اصلی جامعه قرار گیرند، هر گونه تمایزی را با جنبش ملی - اسلامی که اکنون پرچم سکولاریسم را برافراشته و جنبش ناسیونالیسم پرو غرب که سکولاریسم و دموکراسی را بعنوان مبهم ترین شعار ممکن بدست گرفته عملاً محو نمودند. "حقوق بشر" و "سکولاریسم" به پرچم هم آنها و هم دو جنبش دیگر بدل شد. بجای برجسته کردن نقطه تمایزات برای ایجاد فصل مشترک ها تلاش کردند. نزد آنها خواسته های جنبش آزادی زن به نقد و مبارزه علیه واضحترین خشونت های اسلامی تقلیل یافت: قتل ناموسی، سنگسار و "حجاب اجباری". افق رادیکال و آزادیخواهانه کمونیسم کارگری که به روشنی در برنامه یک دنیای بهتر ثبت شده و توسط جنبش فعالینش پیش از آن نمایندگی می شد رنگ باخت و مبارزه برای سکولاریسم و علیه "حجاب اجباری" جای آنرا پر کرد.

۵- در شرایط حاضر جنبش ملی - اسلامی به

پیوند خواهری دارند. جنبش ناسیونالیسم پرو غرب برنامه یا افق ویژه ای به جنبش حق زن ارائه نمی دهد؛ صرفاً می کوشد "شکوه تاریخی" خویش را زنده نگاه دارد. ناگفته پیداست که جنبش ناسیونالیسم پرو غرب نه قصد سازماندهی یک انقلاب را دارد و نه می کوشد روی دوش یک جنبش وسیع انقلابی به قدرت برسد. اتکاء به دولت آمریکا و دولتهای غربی مهمترین استراتژی قدرتیابی این جنبش است: "رژیم چنج" یا کودتا راه دستیابی بقدرت این جنبش است.

۳- کمونیسم کارگری تاریخاً پرچم آزادیخواهی و برابری طلبی و ماکزیمالیسم را در جنبش حقوق زن برافراشته و گرایش رادیکال آزادیخواه درون این جنبش را نمایندگی می کند. اما موقعیت جنبش کمونیسم کارگری درون جنبش حقوق زن بتدریج تضعیف شده است. زمانیکه منصور حکمت در سال ۲۰۰۱ در سمینار "آیا کمونیسم در ایران پیروز می شود؟" اعلام کرد که؛ "انقلابی که میشود {در ایران} میتواند خیلی زنانه باشد، نه تنها موقعیت جنبش کمونیسم کارگری علی العموم بسیار متفاوت بود، بلکه همچنین این جنبش در عرصه جنبش آزادی زن بسیار قوی و موثر بود. افقی که توسط این جنبش نمایندگی می شد و روایتی که از آزادی زن، تمایلات و خواسته های زنان ارائه می داد بشکل وسیعی درون جنبش حقوق زن انعکاس یافته بود. برخی فعالیت های آن حتی در نشریات کثیرالانتشار داخل منتشر می شد. صف وسیعی از فعالین رادیکال آزادی زن که یک افق متفاوت و رادیکال را ارائه می دادند نقطه قوت این جنبش و راه نفوذ آن درون جنبش حقوق زن در ایران بود. شرایط به نسبت ۱۶ سال پیش تغییرات قابل توجهی کرده است. بمیزانی که موقعیت پیشتاز کمونیسم کارگری درون اپوزیسیون تضعیف شده است، درون جنبش حقوق زن نیز موقعیت خود را از

جنبشهای سیاسی و طبقاتی و

مسئله آزادی زن

آذر ماجدی

۱- جنبش حقوق زن کماکان یک ستون محکم مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی است. اما جنبش حقوق زن همچون سایر جنبش های اجتماعی تحت نفوذ جنبش های سیاسی - اجتماعی اصلی در جامعه است. سه جنبش اصلی ملی - اسلامی، ناسیونالیسم پرو غرب و کمونیسم کارگری در جنبش زنان نقش بازی می کنند و برای کسب رهبری در آن مبارزه می کنند. رهبری بر این جنبش بیش از هر چیز توسط حاکمیت روایت هر یک از این جنبش ها از هدف غایی و چگونگی دستیابی به این هدف میسر می شود؛ روایت و تبیین از اوضاع سیاسی و توازن قوا در جامعه و افقهای سیاسی برای تغییر.

۲- جنبش ملی - اسلامی یا ملی - مذهبی بعنوان وسیعترین جنبش اجتماعی - سیاسی با برخورداری از بیشترین امکانات و منابع اقتصادی سیاسی و شریک بودن در حاکمیت از بیشترین نفوذ درون جنبش حقوق زن برخوردار است. بسیاری از فعالین جنبش ملی - اسلامی فعال جنبش حقوق زن نیز هستند. در حالیکه فعالین رادیکال مدافع آزادی زن تحت شدیدترین سرکوب سیاسی قرار دارند، فعالین ملی اسلامی "حوزه زنان" از آزادی عمل و بیان نسبی برخوردارند. جنبش ناسیونالیسم پرو غرب بعنوان یک جنبش سیاسی - اجتماعی صرفاً با بازتعریف و شکوه بخشی به موقعیت زنان در زمان سلطنت پهلوی می کوشد نفوذ خود را درون جنبش حقوق زن گسترش دهد. فعالین جنبش ناسیونالیسم پرو غرب و ملی - اسلامی با هم

جنبش‌های سیاسی و طبقاتی

و مسئله آزادی زن

آذر ماجدی

یمن منابع وسیعی که در اختیار دارد موفق شده که نفوذ خود را بر مراتب درون جنبش حقوق زن گسترش دهد. این منابع چه بعلت سهم بودن در قدرت در ایران و چه از طریق کمک‌های نجومی دولتهای غرب تامین می‌شود. مهمترین پلاتفرم رسانه ای در اختیار این جریان قرار دارد. بی بی سی که همیشه سخنگوی این گرایش بوده است با افتتاح تلویزیون فارسی زبان در سال ۸۸ یک قدرت عظیم رسانه ای را در اختیار آنها قرار داده است؛ بعلاوه، نه تنها ریاست رادیو و تلویزیون صدای آمریکا در اختیار این جنبش است، بلکه عناصر کلیدی این جریان منظمًا در این رسانه حضور دارند. اکثریت فعالین زنی که پس از سرکوب سال ۸۸ از ایران گریختند بنوعی توسط این دولتها جذب شده اند. سازمانهای ان جی او و حقوق بشری متعددی که توسط این فعالین راه افتاده است توسط منابع دولتی غرب تامین می‌شود.

۶- گسترش نفوذ سیاسی درون جنبش حقوق زن و تقویت گرایش آزادیخواهانه و ماکزیمالیست درون آن مستلزم اشاعه روایت برنامه ای و سیاسی کمونیسم کارگری درون این جنبش است. ما باید بتوانیم تمایز خود با دو جنبش سیاسی ارتجاعی ملی - اسلامی و ناسیونالیسم پرو غرب را بروشنی تصویر کنیم. باید روایت کمونیسم کارگری از آزادی و برابری و یک دنیای بهتر را در جنبش حقوق زن اشاعه دهیم. باید بر تمایز دیدگاه و جنبش سکولاریسم راست و چپ تاکید کنیم. این سیاست نه تنها در قبال رژیم

اسلامی و جامعه ایران اساسی است، بلکه در سطح بین المللی و در قبال خاورمیانه نقش حیاتی دارد. طی دهه اخیر جریان راست و گرایش‌های متعلق به جبهه تروریسم دولتی نفوذ بسیاری درون جنبش سکولاریست و مدافع حقوق زن در جوامع اسلامزده بدست آورده اند. با برخورداری از منابع وسیع مالی و تبلیغاتی موفق شده اند برخی فعالین متعلق به جبهه چپ و رادیکال را بخود جذب کنند. در این میان جنبش اسلامی به رهبری رژیم اسلامی با زیرکی سیاسی موفق شده است که بر سیاست های اپوزیسیون "ضد امپریالیست" کشورهای خاورمیانه و جوامع غربی در قبال جنبش اسلامی و اسلام تاثیرات قابل توجه ای بگذارد. شایع شدن گفتمان "اسلاموفوبی" و انتخاب داوطلبانه حجاب توسط بخشی از زنان جوان نتیجه توفیق این سیاست است. حجاب، این بیرق جنبش اسلامی، اکنون برای بخشی از جنبش ضد امپریالیست نقش بیرق "مرگ بر آمریکا" را پیدا کرده است. باید ظرافت این سیاست ها را شناخت و با دقت آنها را افشاء کرد. تروریسم اسلامی عملاً در مبارزه علیه تروریسم دولتی یک دست انداز جدی ایجاد کرده است که باید با آن مقابله شود. باید جنبش ملی - اسلامی و ضد قهرمانانش را افشاء کنیم و بکوشیم افق فعالین جنبش حقوق زن را گسترش دهیم. آزادی و برابری واقعی زنان تنها از طریق پیاده کردن افق کمونیسم کارگری امکانپذیر است.

۷- تئوری و تاریخ نشان داده است که تنها در یک جامعه فارغ از طبقات، در یک جامعه ای که نقطه محرکه آن بر سود بنیان گذاشته شده باشد، در یک جامعه سوسیالیستی هرگونه نابرابری سیاسی، اجتماعی و اقتصادی میان انسانها از میان می‌رود. دستاوردهای بلافاصله انقلاب اکتبر و مبارزات جنبش آزادی زن در شوروی در دهه اول پس از

انقلاب یک نمونه افتخار آمیز این حقیقت است. دولت کارگری شوروی در سال ۱۹۱۷ اولین کشوری در جهان است که کلیه نابرابری های حقوقی میان زن و مرد را لغو نمود و آزادی و برابری همه جانبه زنان را برسمیت شناخت. بسیاری از حقوقی که پس از انقلاب در شوروی بتصویب رسید بیش از نیم قرن بعد، بدنبال مبارزات وسیع جنبش آزادی زن، در برخی کشورهای اروپایی تصویب شد. متأسفانه با شکست انقلاب کارگری در شوروی و حاکم شدن سرمایه داری دولتی بخشی از حقوق و موقعیت بدست آمده پس از انقلاب از زنان باز پس گرفته شد. قدرتیابی دولت کارگری در روسیه، حیات آن بمدت بیش از یک دهه و سپس شکست دولت کارگری نیز بر این واقعیت انکار ناپذیر صحنه می‌گذارد که تا زمانیکه سرمایه داری حاکم است، نابرابری، تبعیض و سرکوب نیز بر جامعه حاکم خواهد بود.

۸- کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری - حکمیتست طبقه کارگر و زنان و مردان برابری طلب و سوسیالیست و آزادیخواه را فرامیخواند که حول پلاتفرم کمونیستی کارگری برای برابری بیقید و شرط زن و مرد متحد شوند. بطور مشخص و در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی، شعار و سیاست "نه به حجاب"، "نه به آپارتاید اسلامی"، "لغو کلیه قوانینی که با برابری زن و مرد در تناقض قرار دارند" و "دست مذهب از سر زنان کوتاه!" بمیدان بیایند و با ایجاد تشکل و شبکه های مبارزاتی و پیوستن به حزب و سازمان آزادی زن، پرچم مبارزه برای آزادی و رهائی زن را برافراشته تر کنند

پیشنهاد دهنده: آذر ماجدی

حامیان: سیاوش دانشور، سعید یگانه، شهلا نوری، رحمان حسین زاده، ناصر مردادی

پیش نویس آئین نامه کنگره هشتم حزب حکمتیست

- ۱- هیات رئیسه کنگره از طرف دبیر کمیته مرکزی و رئیس دفتر سیاسی، بر اساس توانائی در اداره جلسات، به کنگره معرفی خواهند شد. در هر اجلاس یک نفر از هیات رئیسه، ریاست کنگره را برعهده خواهد داشت.
 - ۲- تمام تصمیمات با اکثریت نسبی آراء نمایندگان تصویب میشود.
 - ۳- رای گیری در کنگره، بجز در انتخابات کمیته مرکزی، علنی است. شمارش دقیق آراء در رای گیریهای علنی در مواقعی که تفاوت رای های موافق و مخالف عیان است ضروری نیست. در صورت نزدیک بودن رای های مخالف و موافق، به تصمیم رئیس و یا با پیشنهاد ۲ نفر از نمایندگان آراء شمرده میشود.
 - ۴- در طرح هر قطعنامه و قرار و پیشنهاد، موافق و مخالف به تعداد مساوی صحبت میکنند. ارائه دهندگان هر قطعنامه مرکب (مبحث اصلی) یک نوبت در پایان بحث برای جمع بندی مبحث خواهند داشت. ارائه دهندگان قطعنامه های ساده و قرارها نوبت جمع بندی نخواهند داشت.
 - ۵- در مباحث اصلی دوازده دهنده و دو مخالف از قبل از کنگره تعیین شده اند. مابقی سخنرانان در سالن نوبت میگیرند.
 - ۶- از میان کسانی که نوبت گرفته اند، در صورتی که به هر کس کمتر از ۵ دقیقه وقت برسد، سخنرانان به تعداد لازم به قید قرعه تعیین میشوند.
 - ۷- کفایت مذاکرات به پیشنهاد هیات رئیسه و یاد و نفر از نمایندگان به رای گذاشته میشود.
 - ۸- کنگره تنها به مباحث و پیشنهادهای میپردازد که از قبل بطور کتبی در اختیار کنگره قرار داده شده باشند و کنگره ورود آنها را به دستور تصویب کرده باشد. هیچ قرار و طرح قطعنامه جدیدی در کنگره دریافت نمیشود و به رای گذاشته نمیشود. (تصویب استثناء بر این قاعده تنها با رای نصف بعلاوه یک نمایندگان کنگره مجاز است)
 - ۹- ترتیب جلسات
 - الف: شروع و اعلام رسمیت کنگره :
 - مارش انترناسیونال و سکوت به احترام جانبازان راه آزادی و سوسیالیسم
 - سخنرانی افتتاحیه
 - گرامیداشت انقلاب اکتبر
 - تصویب اعتبارنامه نمایندگان
 - تصویب آئین نامه کنگره
 - پیامهای رسیده
 - ب- بررسی و تصویب دستورهای کنگره
 - ۱۰ - انتخابات کمیته مرکزی
 - ۱۱ - اختتامیه
 - ۱۲- گزارشات به رای گذاشته نمیشود. وقت موجود میان سخنرانان تقسیم میشود. پس از اظهار نظر سخنرانان مختلف، یک نوبت کوتاه نهایی برای توضیح بیشتر در مورد جوانب مورد بحث گزارشات به ارائه کنندگان آنها داده میشود.
 - ۱۳- در پایان هر اجلاس (صبح یا عصر) نیم ساعت برای اظهار نظر میهمانان و ناظرین وقت داده میشود.
- ***
- پایان آیین نامه
- دستورهای پیشنهادی دفتر سیاسی به کنگره هشتم حزب حکمتیست
- ۱- گزارش
 - ۲- اوضاع جهان (بیانیه کنگره)
 - ۳- اوضاع سیاسی ایران (قطعنامه)
 - ۴- موقعیت جنبش کارگری (بیانیه)
 - ۵- قرار و قطعنامه ها



حمه سور
hamesur@gmail.com

پیشبرد این امر است.

پیشنهاد کننده: حسین مرادی

حمایت کنندگان: رحمان حسین زاده، ناصر

مرادی، هیرش مجید نیا، شهلا نوری، محمود

رهبری، سعید یگانه، آرش نصرالهی،

سیاوش دانشور، فاتح شیخ

۱۰ اکتبر ۲۰۱۷

گرایی در میان این مردم و راندن آنان به سمت گروهها و جریانات مختلف اسلامی که در کمین آنان نشسته اند، کمک کرده است.

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از کمیته مرکزی

منتخب این کنگره میخواهد که مبارزه پیگیرانه تر و مستمری را علیه مذهب علی العموم خصوصا اسلام و اسلام سیاسی در دستور کار خود قرار دهد.

جامعه ایران بعنوان جامعه ای ضد اسلامی با سابقه تقابل روزانه و مداوم بیش از سه دهه اکثریت زنان و مردان متنفر و منزجر از جمهوری اسلامی بویژه

نسل جوان و امروزی آن، نسل جوانی که تلاش ارتجاعی جنبش سبز در

کسب اعتبار مجدد برای اسلام و آخوند در ایران را در رویدادهای سال ۸۸ پشت سر گذاشته است، همچنان نیروی مادی و الگوی قابل اتکاء ما در

قرار در مورد ضرورت تشدید

مبارزه علیه مذهب

حسین مرادی

با توجه به:

- کارکرد عمیقاً ضد انسانی مذهب و اسلام در بسیاری از مناطق جهان و جلو آمدن هرچه بیشتر مذهب و رشد اسلام گرایی خصوصا در کشورهای غرب در سه چهار سال گذشته،

- امتیاز دادن بیش از پیش جناحهای مختلف دول بورژوازی غرب در کشورهای خود به گروهها و جریانات اسلامی بویژه جناح چپ آن که سیاست کاملاً ریاکارانه و معامله گرانه ای را در این مورد در پیش گرفته است،

- همچنین برخورد راسیستی گروهها و احزاب راست افراطی و فاشیست به مردم مسلمان کشورهای اسلام زده که عملاً به رشد اسلام

قرار در مورد اهمیت تشدید مبارزه علیه ناسیونالیسم در این دوره

حسین مرادی

۱- مشاهده ساده اوضاع فعلی به ما میگوید که احزاب و گروهها و جریانات متعلق به گرایش ناسیونالیسم ایرانی، دارند به تحرک فکری، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی سابق خود به هدف دست بالا پیدا کردن ناسیونالیسم ایرانی در صحنه سیاسی ایران و متحد کردن تدریجی جامعه حول این ناسیونالیسم، بعنوان قوی ترین و ریشه دارترین گرایش اجتماعی در ایران، شکلی هدفمند تر، آگاهانه تر و متحد تری میدهند. انگار از قبل با هم نشسته و در مورد آن توافق کرده اند.

۲- هدف از آنهم کاملاً روشن است، مقابله کردن با جنبش طبقه کارگر و آزادیخواهانه و دور نگاهداشتن کمونیسم و کارگر از دست بردن به قدرت سیاسی در تحولات سیاسی آتی در ایران و این بار نیز تعیین تکلیف سرنوشت سیاسی جامعه توسط احزاب و نیروهای این جنبش.

۳- در پیشبرد این پروژه از درون خود جمهوری اسلامی و جناحهای آن تا اپوزیسیون پرو و غیر پرو رژیمی در داخل و خارج ایران تا خیل وسیعی از سخنگویان و سیاست پردازان و قلم بدستان این جنبش و حتی میدیا و رسانه های فارسی زبان سپانور شده توسط دول بورژوازی کشورهای غرب نیز شرکت دارند. چنین فضائی، بعضی از افراد و نیروهای چپ ناسیونالیست سابق را نیز به صرافت پیش کشیدن ترمهای سابق خود، "میهن پرستی" و یا "ضرورت دفاع از استقلال سیاسی ایران" بعنوان پلاتفرم امروزی خود انداخته است.

۴- همچنین احزاب و گروههای گرایش ناسیونالیسم محلی و قومی که سوخت و ساز سیاسی خود را در سطح محلی، از وجود ستم ملی و سرکوب مردم توسط دولت بورژوازی مرکزی تامین کرده و تامین میکنند، نیز بیش از پیش برای گسترش نیروی جنبش خود به هدف کسب موقعیت بهتری در مقابل کمونیسم و کارگر در محل، به تکاپو انداخته است.

در رویارویی با جنبش ناسیونالیستی و جریانات عمده آن:

قرار در مورد



ضرورت تشدید مبارزه علیه تفرقه قومی و

مذهبی در ایران

جمال کمانگر

الف- بر بستر تداوم حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی و گسترش تنفر عمیق مردم از این رژیم و با اتکا به ژورنالیسم نوکر و میدیای سخنگوی منافع بورژوازی و با اتکا به مهندسی افکار عمومی و وپروس ناسیونالیسم و مذهب را در صحنه سیاسی ایران فعال کرده است. در غیاب هژمونی و نفوذ عمومی سیاست چپ در جامعه ایران، ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی و قوم پرستی بویژه موجب تحرکات قوم پرستانه و مذهبی در ایران و مشخصا در خوزستان، کردستان، آذربایجان و سیستان و بلوچستان شده است و در مواردی موجب پیدایش تظاهرات های ارتجاعی قوم پرستانه و ناسیونالیستی، زیر لوای مبارزه با جمهوری اسلامی شده است که پلاتفرم نفرت پراکنی قومی-مذهبی و پایه گذاشتن کینه و دشمنی در میان صف وسیع انسانی است که سالها در کنار هم زیسته اند.

ب- دامن زدن به تفرقه قومی و مذهبی در فضای سیاسی ایران، پدیده ای بسیار خطرناک است و بانی جنگ و کشتار و پاکسازی قومی - مذهبی در آینده ایران خواهد بود و حرکتی علیه زندگی و امنیت و مدنیت مردم و جامعه است. عروج قوم پرستی و تشدید فعالیت جریانات و گروههای مذهبی در چند سال اخیر محصول حاکمیت ننگین جمهوری اسلامی و دخالتهای فرقه ای رژیم جنایتکار در خاورمیانه است

ت- سرمایه گذاری دولت فاشیست ترامپ بر گروههای قومی و مذهبی همچون اهرم فشار و ابزار پیشبرد سیاستهای زور گویانه خود در ایران و منطقه و از طرف دیگر امید جریانات قومی و مذهبی به تکرار تجربه عراق و سوریه در ایران با اتکا به پول و اسلحه و امکانات تبلیغاتی آمریکا و دول مرتجع منطقه به بهانه مقابله با جمهوری اسلامی زمینه ساز جنگ و کشتار مذهبی و قومی در آینده خواهد بود.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست جبهه بی امان مبارزه مستمر علیه ناسیونالیسم و جریانات ضد انسانی و ضد مردمی مذهبی را گشوده است. طرد و رسوا کردن جریانات ناسیونالیست و مذهبی را وظیفه تخطی ناپذیر خود میدانند.

کنگره هشتم حزب حکمتیست، کارگران و مردم ایران، صف میلیونی انسانهای متنفر از جمهوری اسلامی، جنبشهای آزادیخواهانه اجتماعی و سازمانها و نهادها و تشکل های چپ، مترقی و اجتماعی را به حضور فعال در صف مبارزه علیه ناسیونالیسم عظمت طلب و قوم پرستی و علیه تفرقه قومی - مذهبی و تاکید بر هویت انسانی و شهروندی یکسان و برابر فرا میخواند

پایان قرار

ارائه دهنده: جمال کمانگر

حمایت کنندگان: اسماعیل ویسی، رضا کمانگر، محمود رهبری، عبدالله دارابی، رحمان حسین زاده، پروین کابلی، سعید یگانه، ملکه عزتی، سیوان کریمی

قرار در مورد اهمیت تشدید مبارزه علیه

ناسیونالیسم در این دوره

حسین مرادی

کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست از کمیته مرکزی منتخب این کنگره میخواهد که مبارزه وسیع و همه جانبه تری را علیه ناسیونالیسم در قالب ایرانی و قومی آن و نقد و افشاء احزاب و گروههای مربوطه را در جدال بر سر مسائل گرهی جامعه در تقابل روزانه خود با جمهوری اسلامی، در دستور کار خود قرار دهد.

پیشنهاد کننده حسین مرادی:

حمایت کنندگان: رحمان حسین زاده، ناصر مرادی، هیرش مجید

نیا، شهلا نوری، آرش نصرالهی، فاتح شیخ

۱۱۰ اکتبر ۲۰۱۷

قرار پیشنهادی به کنگره هشتم حزب حکمتیست

در محکومیت کشتار کولبران و تعرض به



دستفروشان

ریناس آزا

در سالهای اخیر بارها شاهد کشتار کولبران و تعرض به دستفروشان به بهانه های مقابله با قاچاقچیان و اخلاطگران در اقتصاد ملی و طرح های بنام ساماندهی بوده ایم. کولبران و دستفروشان هم سرنوشتانی از بدنه طبقه کارگر می باشند که محصول و قربانیان سیستمی هستند که با تحمیل روز افزون فقر و بیکاری جهت انباشت سود و سرمایه از جان و کرامت انسانها مایه می گزارد.

کولبری یا دستفروشی یک انتخاب نیست بلکه اجباری است برای تامین معاش از طرف کارگرانی که در نبود زمینه و بستر لازم جهت اشتغال با قمار بر روی جان خود تن به قبول انواع خطرات و هتک حرمت از طرف جانین و پاسداران سود و سرمایه می دهند.

تیراندازی از سوی نیروهای مرزبانی رژیم، خطر میدانهای مین بجا مانده از جنگ ارتجاعی ایران و عراق، عبور از کوره راههای صعب العبور کوهستانی سقوط در دره و ریزش بهمین، باج خواهی و حق گمرک گرفتن از طرف برخی جریانات مرتجع ناسیونالیست و بسیاری موارد دیگر همگی نشان از این واقعیت دارد که با وجود همه این خطرات کولبری یک شغل و انتخاب آزادانه در شان یک انسان نیست.

قرار پیشنهادی به کنگره هشتم حزب حکمتیست

ضرورت اتحاد عمل طبقه کارگر حول شعار

بیمه بیکاری با برپایی مجامع عمومی و شوراها

در محل کار و زیست کارگران.

ریناس آزا

یکی از ارکان اساسی و مهم مبارزه با فقر و فلاکتی که دامنگیر طبقه کارگر ایران گردیده مبارزه علیه بیکاری می باشد. بیکاری خود ماحصل و نتیجه کارکرد مناسبات غیر انسانی تولید در نظام سرمایه داری است و تا زمانیکه نظام سرمایه و منطق سودآوری بر مبنای چپاول ارزش اضافه کارگران حاکم

از دیگر سو دستفروشان نیز که اغلب کارگران اخراجی و بیکار شده از کارخانه ها، کودکان بازمانده از تحصیل بخاطر فقر و یا زنان سرپرست خانواده می باشند برای تامین حداقل معاش مجبور به پهن کردن بساط ناچیز و ایستادن در کنار خیابانها و ایستگاههای مترو برای بدست آوردن اندک درآمدی برای ادامه زندگی هستند.

در این میان شاهدیم که هر روزه قداره بندها و عوامل مزدور حکومتی سازمانیافته در شهرداری تحت نام مامورین سد معبر به آزار و اذیت این دستفروشان و مصادره اندک سرمایه آنها می پردازند.

* به اعتبار موارد اشاره شده کنگره هشتم حزب حکمتیست مقرر میدارد که :

□ کولبری و دستفروشی شغل نیست بلکه از روی اجبار و تحمیل شده از طرف صاحبان سرمایه می باشد، باید همه افراد بالای ۱۶ سال بیمه بیکاری مکفی دریافت نمایند تا هیچ انسانی برای تامین حداقل نیازهای اولیه خود مجبور به کولبری، دستفروشی یا پناه بردن به شغلهای خطرناک نگردد.

□ طرحهایی از طرف دولت سرمایه داران بنام "بیمه کولبران" و "ساماندهی دستفروشان" تنها برای بزک کردن و شانه خالی کردن از زیر بار مسولیت این بخش از طبقه کارگر می باشد. داشتن شغل مناسب با علایق و تواناییها از حقوق ابتدایی و اولیه هر انسانی است.

ارایه دهنده: ریناس آزا

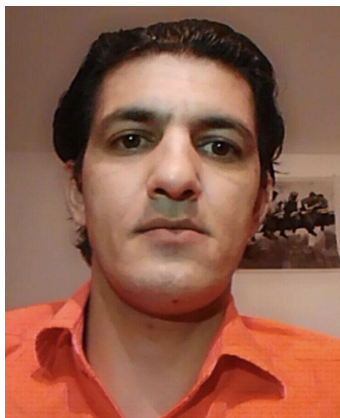
حامیان: ملکه عزتی، ناصر مرادی، محمود محمد زاده، هاشم ترکمن، سعید یگانه

است معضلی بنام بیکاری و ارتش ذخیره بیکاران نیز وجود دارد.

فقر، اعتیاد، تن فروشی و فحشا، بازماندن از تحصیل و روی آوردن کودکان به کار، تن دادن به کارهایی مانند کولبری و دستفروشی و... و دهها مورد دیگر از معضلات و مصایب که همگی همچون باری اضافه زندگی و معیشت کارگران و خانواده هایشان را تهدید می نمایند رهاورد بیکاری و بیکارسازیهای گسترده از طرف کارفرمایان و صاحبان سرمایه می باشد.

کارگران بیکار، نیرویی میلیونی و عظیم اما پراکنده می باشند که نیازمند سازماندهی حول شعار پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد رسمی برای همه افراد بیکار و فاقد شغل بالای ۱۶ سال است.

بیکاری تنها معضل افراد جویای کار نیست بلکه با اجرای سیاستهای تعدیل اقتصادی و واگذاری بخش زیادی از صنایع به نهادهای خصوصی و نظامی، اخراج و بیکار سازی بر سر بسیاری از کارگران شاغل نیز سایه افکنده است و همین موضوع نیاز مبرم به عزم و اتحاد طبقاتی حو



قرار در مورد مقابله جدی با

مقوله مواد مخدر

محمد عذیری

نقش اساسی تهیه و پخش مواد مخدر در جامعه ایران را جمهوری اسلامی برعهده دارد و هدف اصلی رژیم در این باره تلاش برای تضعیف توان شخصی انسانها و بخصوص جوانان است. سازمان مبارزه با مواد مخدر با برگزاری نمایشگاههای تشخیص مواد سعی در رسمیت دادن وجود انواع مواد مخدر در جامعه میکند و به وضوح معلوم است که درصد مبارزه با این مقوله خانمانسوز کمتر از یک درصد در سطح جامعه میباشد آن هم به این خاطر است که خود را از شک و شبهه ها رها سازد. در چند ماه گذشته جمهوری اسلامی به خاطر بها

دادن قانونی به طرح کنترل مصرف مواد مصرفی تریاک را رسمی و قانونی کرد که راحت در دسترس همگان باشد. از آنجایی که آمار غیر موثق خود رژیم از ۱۳ درصد اعتیاد جامعه خبر میدهد. که ناصحیح بوده و در آمارهای غیر رسمی تا ۲۵ درصد جامعه را به این درد سازماندهی شده گرفتار کرده است. تا آنجایی که به عاملین توزیع مواد مخدر مربوط میشود اکثریت آنان زیرمجموعه خود رژیم بوده و بقیه خواه ناخواه عاملین این جرم و جنایت هستند و ما هر روزه شاهد مرگ تدریجی انسانهای جامعه و بخصوص جوانان هستیم که باید با آن به طور جدی مقابله کرد. از آنجایی که تا سرنگونی رژیم نمیشود از ریشه کن کردن اعتیاد در جامعه صحبت کرد اما میشود این وضع را تا حدودی تغییر داد. مقابله و افشای باندها و چهره ها و عوامل رژیم با ایجاد این بازار

مرگ هر روز شاهد افزایش سرمایه کلانشان هستند در دستور قرار گیرد. کنگره هشتم حزب حکمتیست(کنگره اکتبر) تلاش جدی برای مقابله با پدیده اعتیاد و بانیان و عاملین مواد مخدر را در دستور فعالیت ارگانهای منتخب قرار می دهد.

معرف: محمد عذیری

حامیان: ناصر مرادی، سعید یگانه

ضرورت اتحاد عمل طبقه کارگر حول شعار

بیمه بیکاری با برپایی مجامع عمومی و

شوراها در محل کار و زیست کارگران.

ریناس آزا

معضل بیکاری را بیشتر ضروری می نماید.

نظر به اینکه :

* بیمه بیکاری که توسط سازمان تامین اجتماعی رژیم

پرداخت میگردد اساسا بیمه بیکاری نیست بلکه پرداخت غرامت بصورت ماهیانه و محدود بابت بیکار سازی و اخراج کارگران شاغل است و طبق تعریف این نهاد [مقرری بگير بیمه بیکاری عبارت است از بیمه شده ای که بدون میل و اراده بیکار شده و آماده به کار باشد] که آن هم تابع شرایط و ضوابط دست و پاگیر زیادی می باشد که به اذعان همین نهاد و کارگزاران رژیم تنها شامل هفت درصد کل جمعیت بیکار می گردد بنابراین و طبق این قانون صراحتا افراد جویای کار و بیکار، زنان خانه دار، کارگران افغان و کشورهای مجاور که از کوچکترین حق و حقوق و بیمه ای برخوردار نیستند

از شمول دریافت بیمه بیکاری خارج گردیده اند.

* جعل و ارایه آمارهای غیر واقعی و کتمان و تحریف واقعیت یکی از شگردهای دولت حامی سرمایه داران برای شانه خالی کردن و فرار از مسولیت جمعیت میلیونی بیکاران است.

مراکز آمار دولتی رژیم در آمارهای سالانه خود جمعیت عظیم بیکاران را بعنوان "غیرفعال" اعلام می نمایند و از اطلاق بیکار و جویای کار به آنها خودداری می نمایند و از طرف دیگر دولت با اجرای طرحهایی همچون کارورزی، بیمه کولبران، اعلام کارگران فصلی و موقت بعنوان نیروی شاغل سعی در واژگونه نشان دادن آمار واقعی بحران بیکاری که امروزه همچون سونامی جامعه ایران را در نوردیده است دارد

کنگره هشتم حزب: بر ضرورت اتحاد عمل طبقه کارگر حول:

- ۱- برپایی مجامع عمومی و شوراها در محل کار و زیست کارگران با خواست پرداخت بیمه بیکاری معادل حداقل دستمزد رسمی برای همه افراد بیکار و فاقد شغل بالای ۱۶ سال مستقل از تابعیت، نژاد و جنسیت
- ۲- برخورداری از خدمات درمانی، بهداشتی و آموزشی رایگان و پرداخت هزینه تهیه مواد غذایی و سفرهای درون و بیرون شهری.
- ۳- ترغیب و سازماندهی کارگران شاغل و بیکار برای اتحاد عمل در مورد



اسماعیل ویسی
esmail.waisi@gmail.com

اجتماعی در جامعه ایران می باشد. که توسط حکومت اسلامی در ایران از طریق نهادهای امنیتی - انتظامی و مافیای وابسته بدانها، با برنامه، سیمتاتیک و هدفمند همگام با رشد بیکاری بویژه در میان کارگران بیکار و جوانان تحصیل کرده و تحمیل زندگی استیصال آمیز و مایوسانه، با آینده ای نا روشن در تداوم زندگی شان، در گسترش بخشیدن به این معضل اجتماعی سال هاست، تلاش می کنند. امروزه بطور واقعی و ملموسی افزایش شمار معتادان به مواد مخدر که سر به میلیونها نفر میزند و به سنن ۱۴-۱۵ سالگی در سطح مدارس راهنمایی کشیده است. و تهیه آسان و ارزان قیمت آن در سراسر ایران به یکی از معضلات اجتماعی مبدل شده است و اساسی ترین و جدی ترین نگرانی خانواده ها در مورد سرنوشت و آینده جوانانشان است.

معتاد شدگان قربانیان این نظام و مناسبات تولیدی اجتماعی سرمایه داری و نظام سیاسی آن، رژیم اسلامی هستند. این قربانیان را زندانی و اعدام کرده و می کند. بشیوه ای متفاوت تلاش می کند این قربانیان اجتماعی را به جامعه " انسانهایی مذموم، سربار و انگل جامعه " معرفی و بشناساند.

اما، معتاد شدگان " معتادین " انسان های قربانی شده و شریفی هستند. این انسانها به حمایت و

است، برای ایجاد فضای رعب و وحشت که در نهایت برای حفظ بقای خود، به جوخه اعدام سپرده است. عملا اعدام و کشتار جزء تفکیک ناپذیر از ماهیت اش می باشد. در سطح جهانی بعنوان بزرگترین قاتل شناخته شده است. اکنون نیز هزاران نفر تحت عناوین متفاوت در سیاهچالهای حکومت اسلامی در ایران زیر تیغ اجرای گیوتین اعدام قرار دارند.

حزب حکمتیست بر اساس برنامه یک دنیای بهتر برای الغای بی قید و شرط " مجازات اعدام " تبلیغ و تلاش نموده است. تلاش برای مادیت بخشیدن به الغای بی قید و شرط " مجازات اعدام " مستلزم تلاش گسترده و حرکت سازمانیافته اجتماعی در جامعه ایران می باشد. بر این اساس: کنگره هشتم حزب حکمتیست برای سازماندهی این جنبش اجتماعی را، با شعار " مجازات اعدام بدون قید و شرط ملغی باید گردد! " تصویب و چون اولویت در دستور قرار میدهد.

تمامی انسانهای آزادیخواه و احزاب و جریانات سیاسی- و جنبشهای آزادیخواه و برابری طلب اجتماعی مخالف مجازات اعدام را فرامیخوانیم که برای الغای بی قید و شرط مجازات اعدام، دست بکار شوند و نباید در این رابطه از هیچگونه تلاشی دریغ ورزید!

قرار شماره ۲- تلاش برای سازماندهی اجتماعی - صادر کردن کارت اعتیاد برای

معتادین

حمایت کنندگان: نسرين محمودی آذر
مشکل اعتیاد و معتادین یکی از مشکلات اساسی

قرارهای پیشنهادی به کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

قرار شماره ۱- تلاش برای سازماندهی جنبش اجتماعی

- الغای بی قید و شرط

مجازات اعدام

اسماعیل ویسی

حمایت کنندگان: نسرين محمودی آذر
بدون شک " مجازات اعدام "، جنایت سازمانیافته و آگاهانه دولت و نهادهای سیاسی حاکم، علیه مردم بیدفاع و قتل عمد دولتی است! قربانیان اعدام هر که باشند، در این واقعیت تغییری نمیدهد که در کشورهایی که " مجازات اعدام " و بویژه حکومت اسلامی در ایران تحت عنوان " اجرای عدالت " و کاهش دادن یزهاکاری و ... ، هیچگونه اساسی و واقعیتی را در بر ندارد و صرفا بخاطر ارباب جامعه و گستراندن چتر سرکوب و اختناق و خفه کردن هرگونه صدای نارضایتی اجتماعی است که بطور روزمره اعدام کرده و میکنند. " اعدام نه مجازات " است و نه با رایج بودن قانون " مجازات اعدام " هیچگونه " عدالتی " در جامعه اجرا میشود.

ماشین کشتار جمعی جمهوری اسلامی " ماشین اجرای مجازات اعدام " در طول حاکمیت ارتجاعی اش که میتوان گفت همزاد آن می باشد بیوقفه و در ابعاد هرچه وسیع تری بکار خود ادامه داده و تاکنون حدودا ۱۵۰ هزار نفر انسان را در جامعه ایران از فعالین کمونیست، کارگری، برابری طلب و آزادیخواه جنبشهای سیاسی- اجتماعی و هرکسی که اظهار نارضایتی کرده و به عملکرد و موجودیت سیاسی- اجتماعی اش معترض بوده

قرارهای پیشنهادی به کنگره هشتم حزب

کمونیست کارگری - حکمتیست

اسماعیل ویسی

همبستگی انسانی - اجتماعی و بیان همدردی، محبت و عواطف اجتماعی نسبت بخود احتیاج دارند. نباید آنان را طرد و به حاشیه جامعه و لجنزار بیشتری که رژیم اسلامی برایشان فراهم کرده است، رانده شوند. باید یاری داده شوند. شخصیت اجتماعی - انسانی شان را باید حفظ و در ترک این مشکل گرفتار شده، به آنان اعتماد بنفس داده شود. نفرت و بیزاری اجتماعی را بطور سازمانیافته و هدفمند، علیه رژیم اسلامی بکار گرفته شود. زیرا در مبارزه علیه مواد مخدر و عوارض اجتماعی اش، تلاش برای بازپروری و سالم سازی معتادین و حفظ شخصیت انسانی - اجتماعی آنان، یکی از عرصه های مبارزه آزادیخواهانه - برابری طلبانه و اجتماعی است. با دخالت فعال و اجتماعی کردن این مبارزه، غیر از افشای دست اندرکاران و باندهای توزیع و فروش مواد مخدر، نهادها و ارگانهای حکومتی را باید وادار کرد که با اختصاص بودجه و امکانات مالی لازم و متخصصین، مراکز ایجاد ترک اعتیاد و بازپروری را در شهرهای و مناطق متفاوت با آماده کردن کلیه امکانات لازم، ایجاد کنند. اینکار ممکن است و باید چون یکی از عرصه های مبارزه اجتماعی بدان نگرست و دست بکار شد!

در نتیجه: کنگره هشتم حزب کمونیست کارگری - حکمتیست تصویب و تاکید میکند در همراهی و همگامی با جزیانات آزادیخواه - اجتماعی برای سازماندهی حرکات اجتماعی که اساس باز گراندن شخصیت انسانی - اجتماعی معتادین و بشکست کشانیده شدن سیاستهای رژیم اسلامی، می باشد. در دفاع از "ارائه کارت رسمی معتادین و تهیه آن در مراکز بهداشتی و داروخانه ها" چون اولویت کاری، در دستور و تلاش می کند! جزیانات و جنبشهای آزادیخواه را برای مادیت بخشیدن به سازماندهی متحدانه و عملی این امر اجتماعی و تحمیل آن به رژیم اسلامی، فرا می خواند.

قرار شماره ۳ - کشتار کولبران موقوف. یا کار

یا بیمه بیکاری مکفی

حمایت کنندگان: نسرین محمودی آذر - آرش نصرالهی - ناصر مرادی

- سعید یگانه

کولبری شغل نیست. پدیده ایست که در نتیجه بیکاری وسیع و برای ادامه حیات در کردستان به دهها هزار نفر تحمیل شده است. زیرا براساس آخرین آمار ارائه شده از طرف نهادهای حکومتی ۸۰ درصد کارگاهها و واحدهای تولیدی استانهای ایلام، کرمانشاه، کردستان و آذربایجان غربی تعطیل و یا به حالت نیمه تعطیل درآمده اند نرخ بیکاری در این چهار استان نزدیک به ۴۰ درصد می باشد که ناچاراً دهها هزار نفر برای تامین معیشت و ادامه حیات خود و خانواده هایشان از ماکو - مهران و دهلران به کار بسیار مخاطره آمیز کولبری روی کرده اند. هر روزه عمداً توسط سرکوبگرا اسلامی کشتار می شوند.

کارگرانی که بعلت بیکاری، عدم تامین امکانات معیشتی، بیمه بیکاری، تحمیل زندگی فقر مطلق، در ازاء دریافت دستمزد در واقع خون بهاء بسیار ناچیزی که، تن به خطرترین شرایط داده اند. شرایط مرگبار و مرگ آفرینی که چه کشتار عمدی توسط فاشیستهای اسلامی، چه رفتن در میادین مین و یا عوامل طبیعی بعبورو پرت شدن از سنگلاخ و پرتگاه کوره راههای کوهستانی و کولاک برف و بهمن، سرمازدگی، سکت در حین حمل بار، آثار ثانوی ناشی از زخمهای ناشی از اصابت گلوله، معلول شدن همیشگی، در برخی موارد نیز کولبران در نتیجه فشار روانی ناشی از مصادره کالاهایشان توسط نیروهای حکومت، دست به خودکشی زده اند. بطور مستند وجود دارد! کار کولبری مرگ آور است. که توسط سرکوبگران اسلامی برای تامین و بدست آوردن عوارض گمرکی، کولبران کشتار شده و می شوند. عملاً جنگی است مابین سرمایه داران که قربانیانش کارگران کولبر هستند. نهادهای انتظامی - امنیتی در نهایت بیشرمی جهت توجیه کشتار افکار عمومی در جامعه، کولبران را قاچاقچی معرفی می کنند.

کنگره هشتم حزب حکمتیست تصویب و تاکید می کند که، خاتمه دادن به این وضعیت فلاکتبار و متوقف شدن کشتار کولبران پافشاری بر تداوم فشار و تلاش همبسته و سازمانیافته اجتماعی در جامعه کردستان. است

همراه و همگام، جزیانات و فعالین جنبش آزادیخواهی در کردستان را فرامیخواند برای سازماندهی همبستگی اجتماعی برای متوقف کردن کشتار کولبران. با طرح شعار "کشتار کولبران موقوف یا کار - یا بیمه بیکاری

مکفی" با تمامی امکانات و تحمیل آن به رژیم اسلامی، تلاش کنند!

اسماعیل ویسی ۳۰ مهر ۱۳۹۶ - ۲۲ اکتبر ۲۰۱۷

esmail.waisi@gmail.com



قرار علیه موقتی سازی شغلی

و سرکوب تشکل های کارگری

آرش نصرالهی

سرمایه داری امروز بدنبال تهاجم راست جدید در دهه هشتاد ، حقوق و دستاوردهای کارگری را کارارا مورد حمله قرار داده است . از جمله امنیت شغلی و قراردادهای کار

که جزء ابتدایی ترین حقوق اولیه کارگر است . در ایران به موازات این تهاجم ها اقدام به ایجاد تشکیلات و تبیین قوانین تشویقی از جمله تأسیس دفتری در قوه قضائیه تحت عنوان ” دفتر حمایت از تولید و سرمایه گذاری ” و همچنین به اجراء درآوردن ” بخشودگی جرائم بیمه ای کارفرما ” توسط سازمان تامین اجتماعی کرده است .

هدف اصلی این اقدامات تضعیف قدرت طبقه کارگر در مبارزه علیه سرمایه داری ، به منظور جلوگیری از تشکل و متشکل شدن کارگر و باز

گذاشتن دست سرمایه دار برای سودآوری و استثمار شدیدتر است .

امروز عملا بیش از هشتاد درصد نیروی کار در ایران با قراردادهای موقت و بخشا سفید امضا کار میکنند . این موضوع در کنار بحران اقتصادی و پیامدهای آن ، اصلاح همان قانون کار ارتجاعی بنفع سرمایه داران ، بیکاری گسترده ، سرکوب هر نوع تحرک کارگری برای ایجاد تشکل و سازمانهای کارگری ابعاد وحشتناکی پیدا کرده است امری که مورد اعتراض مستمر بخشهای مختلف طبقه کارگر ایران بوده است .

کنگره هشتم حزب حکمتیست از تلاش و مبارزه بخشهای مختلف طبقه کارگر برای کسب حقوق کار از جمله حق تشکل و ایجاد سازمانهای توده ای کارگران مستقل از دولت ، امنیت شغلی ، انعقاد قراردادهای دائم ، الغای قراردادهای موقت و موقتی سازی شغلی و همچنین قراردادهای سفید امضاء قاطعانه حمایت میکند و آنرا یک جبهه مهم مبارزه کارگری میداند . کنگره حزب همچنین یک راه قدرتگیری طبقه و

إبراز وجود و دخالت سیاسی کارگران در جامعه را ، گسترش مبارزه برای امنیت شغلی و متعاقب آن ایجاد تشکل های کارگری ، مقابله با حیف و میل اموال کارگران از جمله در سازمان تامین اجتماعی و نظارت کارگران بر دارایی خود میداند .

پیشنهاد دهنده : آرش نصرالهی

حامیان : سیاوش دانشور ، سعید یگانه ،

حسین مراد بیگی، محمود محمود زاده

ضرورت اتحاد عمل طبقه کارگر حول شعار بیمه بیکاری با برپایی مجامع عمومی و شوراها

در محل کار و زیست کارگران.

معضل بیکاری با برپایی مجامع عمومی و شوراها کارگری در محل کار و زیست

۴-دخالت دادن هر چه بیشتر خانواده های کارگران در امر مبارزه برای دریافت بیمه بیکاری در حد تامین یک زندگی انسانی تاکید می کند.

پیشنهاد دهنده : ریناس ازا

حامیان - ناصر مرادی، سعید یگانه، ملکه عزتی، محسن حسینی، پروین کابلی، محمود محمدزاده و رضا کمانگر



قرار در باره تاکتیک اعتصاب غذا

سیاوش دانشپور

در سالهای اخیر بیش از گذشته، توسل به اعتصاب غذا توسط زندانیان از نخله های سیاسی مختلف بعنوان یک روش مبارزه برای تحقق خواسته های مورد نظر استفاده میشود. متأسفانه این روش مبارزه به اندازه کافی با برخورد انتقادی کمونیست ها و فعالین جنبش کارگری مواجه نشده، بلکه بخشا اصرار ناموجهی وجود دارد که هر مورد اعتصاب غذا توجیه عقلانی شود و روش اعتصاب غذا و حتی ماراتن مرگ را بعنوان روش مبارزاتی "رادیکال" توجیه کند.

نظر به اینکه؛

-اعتصاب غذا یک سنت مبارزه کارگری نیست، این روش سنت مبارزاتی هیچ جنبش اجتماعی پیشرو نیست،
-اعتصاب غذا یک عمل اساسا فردی است و عمدتا عنصر یاس یا انقلابیگری خرده بورژوازی و روش اعتراض طبقات میانی را منعکس میکند،
-اعتصاب غذا عملی غیر اجتماعی است و کارگران بجای مبارزه نمیتواند دست به اعتصاب غذا زنند،
-اعتصاب غذا نوعی حمله بخود و نوعی انتخار و نابودی فرد زندانی است که تاثیرات منفی آن دراز مدت است و حتی نابودی و مرگ زندانی برای رژیم اسلامی اهمیتی ندارد،

کنگره حزب تصویب میکند؛

*اعتصاب غذا روش و سیاست و تاکتیکی پیشرو نیست و کارگران و کمونیست ها در هر شرایطی ضروری است به سنت های مبارزاتی جنبش طبقه خویش متکی شوند.

* زندانی در موارد بسیار کنکرتی ناچار میشود که دست به اقدامات غیر متعارف از جمله اعتصاب غذا، خود زنی و ... بزند. ما ضمن درک این شرایط کنکرت و دفاع از زندانی در مقابل زندانبان تحت هر شرایطی، تاکید داریم که اعتصاب غذا کمکی به پیشروی جنبش کارگری، کمکی به جلب توجه سمپاتیک جامعه در ابعاد وسیع، کمکی به اعتلای افق کارگری برای آزادی جامعه، و کمکی برای بمیدان کشیدن توده های کارگران به مبارزه را نمی کند.

* حزب حکمتیست بر سازماندهی یک اقدام پیگیر و اجتماعی در داخل و خارج کشور برای دفاع از زندانیان سیاسی و آزادی آنها بجای سنت اعتصاب غذا و نگرانی موسمی از وضعیت زندانیان در حال مرگ تاکید میکند.

پیشنهاد دهنده: سیاوش دانشپور

حامیان: ناصر مرادی

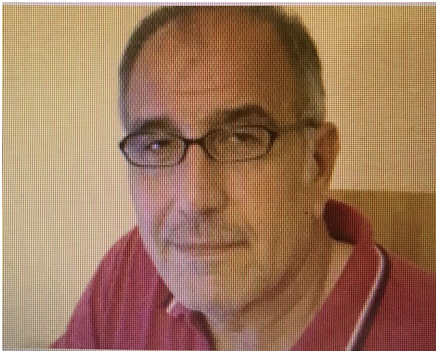


به استقبال یکصدمین سالگرد
انقلاب اکتبر

قرارد در مورد اعتیاد و ضرورت مبارزه با این

پدیده شوم

سعید یگانه



حزب راموظف می کند که از هر نوع تلاشی برای آگاهی جامعه و جوانان پرهیز از مبتلا شدن به این بیماری دریغ نکند و در عین حال از هر تلاشی در این زمینه برای اعتیاد زدایی و کمک به جوانان برای ترک و بازگشت به زندگی عادی، از جانب نهادهای "اجتماعی و مدنی" غیر دولتی حمایت کند.

- نفس اعتیاد نباید جرم تلقی شود. غیر جنایی کردن زندگی معتادین و ایجاد امکانات و تسهیلات برای ترک اعتیاد ویا تامین داروی نیازمندان جزوظیفه اولیه هر جامعه مدرن و پیشرو است که دست باندهای مافیایی و سود جو را خواهد بست. باید حساب قاچاقچیان فروش مواد مخدر از مبتلایان به این بیماری را از هم جدا کرد.

- کنگره در عین حال تاکید می کند و حزب حکمتیست عمیقا اعتقاد دارد که حل مشکل اعتیاد و سایر آسیبهای اجتماعی، اساسا در گرو تلاش و مبارزه آگاهانه کارگران، جوانان، زنان و آزادیخواهان جهت ساختن جامعه ای است که در آن آزادی و برابری و رفاه و تندرستی جامعه تضمین شود.

۹ اکتبر ۲۰۱۷

پیشنهاد دهنده: سعید یگانه

حمایت کنندگان: پروین کابلی - فاتح شیخ - رضا کمانگر - محمود رهبری - سعید آرمان - هیرش مجید نیا - رحمان حسین زاده - ناصر مردادی - ملکه عزتی، آرش نصرالهی

جهان بدون فراخوان سوسیالیسم، بدون امید

سوسیالیسم، بدون خطر سوسیالیسم، به چه

منجلا بی تبدیل می شود!

منصور حکمت

اعتیاد در کنار سایر آسیبهای اجتماعی، زخم بزرگی برپیکر جامعه ایران ایجاد کرده و هزاران جوان و کودک و خانواده آنها را به ورطه نابودی کشانده است. هم اکنون نه تنها مانعی در مقابل رشد آن ایجاد نمی شود، بر عکس همچون اپیدمی واگیر هر روز جوانان و کودکان بیشماری را طعمه خود کرده و از آنان قربانی می گیرد. رشد این سم کشنده و ویرانگر هم اکنون مدارس و محیطهای آموزشی رانیز آلوده کرده و به اعتراف خود مقامات جمهوری اسلامی سن کودکان معتاد ۱۳ سال است.

جمهوری اسلامی از انجایی که با ایجاد اختناق سیاسی و فرهنگی و سرکوب آزادیهای سیاسی توان جلوگیری از رشد نارضایتی و مبارزه جوانان را ندارد، از مواد مخدر به عنوان ابزاری جهت نابودی انرژی و پتانسیل جوانان استفاده می کند و نظر به سود نجومی صنعت تولید و توزیع مواد مخدر، خود به عنوان یکی از شبکه های اصلی پخش مواد مخدر عمل می کند.

آمار های دولتی و غیر دولتی از وجود سه الی شش میلیون معتاد در ایران سخن می گویند. بعبارتی دیگر دستکم بیشتر از ده میلیون از اعضای خانواده ها با مسئله اعتیاد و عوارض اجتماعی و روحی و تاثیرات مخرب آن بر اطرافیان و کودکان این خانواده ها درگیر هستند. در حال حاضر همه تلاش فعالین مدنی و اجتماعی و ایجاد نهادهای غیر دولتی برای کمک به معتادین، با توجه به حجم وسیع این پدیده در جامعه و موانع و مشکلات موجود چشم اندازی حتی برای کاهش آن وجود ندارد و این اقدامات انساندوستانه نیز با موانع قانونی و احضار فعالین روبرو می شود.

روشن است که ریشه و مسبب کلیه مصائب جامعه، از جمله اعتیاد و سایر آسیبهای اجتماعی، نظام سرمایه داری و مشخصا در ایران حکومت اسلامی سرمایه است. فقر و فلاکت و بیکاری و استیصال و از خود بیگانگی و موقعیت روحی ناشی از این شرایط است که جوانان را به سمت اعتیاد سوق می دهد. جای هیچ شکی نیست که عامل اصلی بوجد آوردنده نه تنها اعتیاد، بلکه سایر آسیبهای اجتماعی نظام سرمایه داری و جمهوری اسلامی حامی آن در ایران است و باز وجود این رژیم خود یکی از موانع اصلی حل این مشکلات در جامعه است.

بنابر این

-کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر) ارگانهای مربوطه



قطعنامه در مورد "اتحاد کارگری علیه

بیکاری"

محسن حسینی

توضیح در مورد قطعنامه اتحاد کارگری علیه بیکاری

این قطعنامه در کنگره چهارم حزب به تصویب رسیده است. لذا با توجه به شرایط غیر قابل کنترل و افزایش روبه رشد، بیکاری در ایران که ابعاد آن به شیوه خیلی بیسابقه توده ای و میلیونی، و به یکی از اصلی ترین معضلات اجتماعی تبدیل شده است. و مبارزه علیه این پدیده ویرانگر و یافتن راه حلی برای مقابله با بیکاری به یکی از خواست های محوری کارگران و در همان حال جزء یکی از معضلات فعالین و رهبران جنبش کارگری تبدیل شده است، به همین دلایل و برای پیشبرد مبارزه و تبدیل آن به یک جنبش توده ای نیار به همبستگی فعالین، شبکه ها، محافل و رهبران جنبش کارگری دارد.

بر این اساس و به دلیل ضرورت آن از کنگره هشتم (کنگره اکتبر) می خواهیم دوباره این قطعنامه را تایید و در دستور کار عملی حزب قرار دهد. کپی قطعنامه

قطعنامه در مورد "اتحاد کارگری علیه بیکاری"

1- بیکاری به عنوان حربه بورژوازی زندگی میلیونها کارگر بیکار و خانواده های کارگری را در فقر و فلاکت و بی تمینی مطلق قرار داده است. به علاوه به عنوان عامل موثری در تحمیل زندگی زیر خط فقر بر کارگران شاغل نقش تعیین کننده دارد.

2- حربه بیکاری بزرگترین شکاف و تفرقه و رقابت را بر طبقه کارگرایران اعم از شاغل و بیکار تحمیل کرده است.

3- کاپوس از دست دادن شغل، کارگران شاغل را اجبارا به بی تفاوتی نسبت به زندگی بخش مهمی از هم طبقه ایهای بیکار خود سوق داده و از سر

ناچاری و تامین معیشت روزمره "دست به کلاه خود گرفته" و در مبارزه علیه بیکاری و تحقق مطالبه بیکاران شرکت نمیکنند.

4- به هر درجه حربه بیکاری پس زده شود، گشایش جدی در شرایط کار و زندگی کارگران بیکار و شاغل و کل طبقه کارگر ایجاد میشود.

کنگره هشتم حزب حکمتیست (کنگره اکتبر) تاکید میکند:

الف- مبارزه علیه بیکاری امر مشترک و فوری کارگران شاغل و بیکار سراسر ایران است. مطالبه "کار یا بیمه بیکاری" جزو فوری ترین مطالبات کارگران است.

ب- سازمانیابی اتحاد کارگری علیه بیکاری به عنوان ظرف متحد کردن نیروی کارگران شاغل و بیکار از اقدامات موثر طبقه کارگر علیه بیکاری است.

ج- به میدان آمدن جنبش وسیع اتحاد کارگری علیه بیکاری ضامن تحقق مطالبه "کار یا بیمه بیکاری" و تحمیل آن بر دولت سرمایه اسلامی است.

لذا: حزب حکمتیست طبقه کارگر ایران، کارگران شاغل و بیکار و رهبران و پیشروان کمونیست طبقه کارگر و فعالین و دوستداران خود را در جنبش کارگری به دامن زدن به سازمانیابی اتحاد کارگری علیه بیکاری فرامیخواند.

پیشنهاد دهنده: محسن حسینی

حمایت کننده ها: نسرین محمودی آذر، سعید آرمان، محمود محمود

زاده

ملیت برخلاف جنسیت مخلوق طبیعت نیست، مخلوق جامعه و تاریخ انسان است. ملیت از این نظر به مذهب شبیه است. اما برخلاف تعلق مذهبی، تعلق ملی حتی در سطح فرمال هم انتخابی نیست. بعنوان فرد نمیتوان به ملیت خاصی گروید و یا از آن برید!

منصور حکمت

ملت ناسیونالیسم و برنامه کمونیسم کارگری